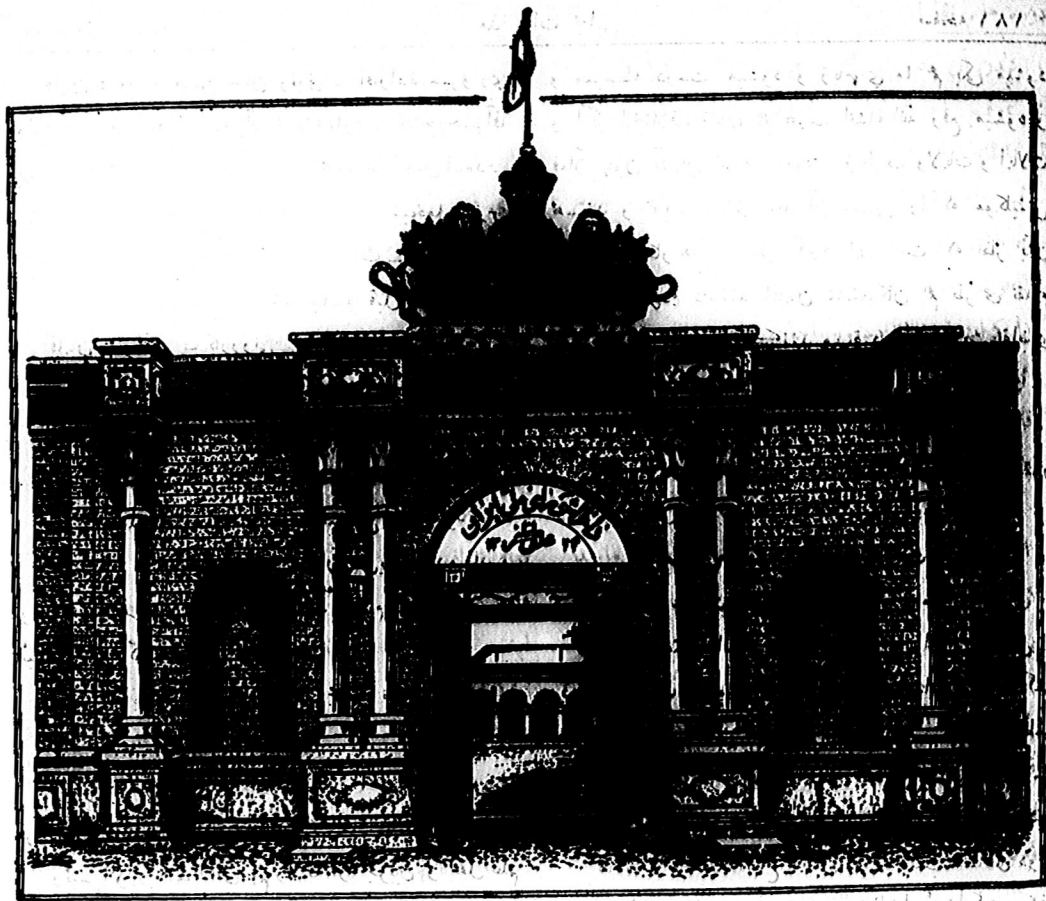


دوره هفتم تقنینیه

<p>جلسه ۱۵</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۱۵</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۴ دی ماه ۱۳۰۷ مطابق ۱۲ رجب المرجب ۱۳۴۷</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارج ۴ دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>



مذاکرات مجلس

دوره هفتم تقنینیه

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۴ دی ماه ۱۳۰۷ مطابق ۱۲ رجب المرجب ۱۳۴۷

جلسه ۱۵

(مجلس یکساعت و سه ربع قبل از ظهر برپاست)
 آقایان: امیر اراهمی - محمود رضا - عمادی - آشتیانی
 پالیزی - اعظم - دریایی - تیمور ناس
 غائبین با اجازه جلسه قبل
 غائبین بی اجازه جلسه قبل
 (صورت مجلس پنجشنبه ۲۹ آذر ماه را آقای اورنگ قرائت نمودند)

از صفحه	الی صفحه	عنوان
۱۸۱		معرفی آقای جم بهت وزارت فوائد عامه از طرف آقای رئیس الوزراء
		تقدیم و قرائت طرح جمعی از نمایندگان راجع بمنجد شکل شدن البسه اتباع برن
۲۱۱	۱۸۱	در داخله مملکت و مذاکرات اسبب موردیت و اصل طرح مزبور
	۲۱۱	انتخاب ۹ نفر با اقتراع جهت شرفیابی حضور اعلی حضرت مهابونی

چه خدمت است که ما برای موکلیمان بکنیم ؟ به موکلین خود مان بگوئیم که برای شما چکار کردیم ؟ بگذارید آقا جان خودمردم بر روی میل و رضا و رغبت بکنند . عرض اینکه این بارها را برای مردم درست کنیم بگفتار مردم بگوئیم که برای مردم درست کنیم ؟ بگذارید مردم بالطبع به میل و آزادی خودشان و با اختیار خودشان بکنند . وقتی که مردم آزاد بودند قهراً بیشتر متوجه میشوند تا اینکه ما بیائیم بگوئیم رفتیم در مجلس شورای ملی و این قانون را برای شما گذرانیم . آخر فکر کنید . این هیچ زرق و تعالی و چیزی نیست . اساساً پس حالا که میخواهید این قانون را بگذارید همانطور که آقا بیان کردند بگذارید . برود به کمیسیون مبتکران بعد همه کمیسیونهای دیگر چون چند کمیسیون در این باید نظر بکنند کمیسیون عدلیه باید نظر بکنند از جهت حقوق قضائی آنها کمیسیون داخله باید نظر بکنند برای اینکه مأمورین وزارت داخله در ولایات باید مأمور اجرا باشند تا مأمورین نظامیه که میخواهند کار با متانت باشد که نمیآیند بر مردم نشود . بعد هم کم کم ماها . بنده آقای دیبا چهار نفر دیگر که عضو شما هستیم و برادر شما هستیم بیائیم در کمیسیون ما هم بگوئیم ما هم کم کم بلکه شروع کنیم مردم را متوجه کنیم و هم اینکه چیز سختی نگذارند باشیم . اساس عقیده و نظر بنده روی التماس برای حال مردم است که اسباب تضییقاتشان نباشد این است که بنده تقاضا میکنم فوریت اولش نباشد یعنی برود بکمیسیون مبتکران بعد هم در کمیسیون عدلیه یا جاهای دیگر برود باین ترتیب با متانت و خرده خرده وارد بشود . آنوقت بی در واقع ما آمده ایم مردم را خفه کرده ایم که تحمل ماها کرده باشیم و هم مردم خودشان میکنند . آقایان برای مردم ما کاری نکرده ایم خود مردم بواسطه مزاحمی که این شخص شخص اعلیحضرت درباره آنها کرده است ؟ در امنیتشان کرده است . در اسلامیتشان کرده است ؟ در قدرت و توانایشان کرده است ؟ خودشان عاشق هستند خودشان متوجه هستند . این يك چیزی نیست که بگوئیم ما برای ایشان کرده ایم . چه بکار

کرده ایم ؟ این ۱۲ این است که بنده تقاضا میکنم این برود بکمیسیون و ترتیب خودش بگذرد .
 رئیس - قبل از اینکه بنویس ترتیبی به آقای عباس میرزا وقت داده شود به آقای آقا سید یعقوب عرض میکنم در مجلس هیچ مضیقه برای هیچ کس نیست و تمام اشخاص آزادی میتوانند اظهار عقیده بکنند .
 (نمایندگان - صحیح است) آقای عباس میرزا عباس میرزا - آقای آقا سید یعقوب که مخالف با فوریت بودند در صورتی باید با فوریت مخالفت بشود که قانون با طریقی که در مجلس آمده است زمینه برای آن بین خود آقایان و کلاً با در خارج بین مردم نهیه نشده باشد در صورتیکه زمینه این طرح که حالا پیشنهاد شده است درست مقابل آنکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند راجع به رفاه و آسایش عامه است البته مجلس شورای ملی باید یا مبتکر يك قوانینی باشد که از مجلس مردم سرایت بکند یا آنکه باید يك وضعیتي که در مردم تولید میشود آن وضع را يك جریان قانونی بدهند که برای مردم محظورانی پیش نیاید و من تعجب کردم از اینکه آقای آقا سید یعقوب اینجا لطف فرمودند ببینند این طرح پیشنهادی آقای عراقی عین رعایت آسایش حال عامه است و اینکه فرمودند این قانون برود در کمیسیون مبتکران در کمیسیون مبتکران فقط شش نفر از آقایان و کلاً هستند در صورتیکه این طرح بالاخره در پیش تمام آقایان مطرح شده و مدتی هم هست در جریان است . فرمودند برود بکمیسیون قوانین عدلیه در صورتیکه در عدلیه مدتی است البته قضات و اعضاء عدلیه را معین کرده اند . لذا ما تصور میکنیم که اگر ما امروز تکلیف مردم را معین کنیم بهتر است مردم يك شوق و شغفی دارند برای اینکه کک بکنند با فکر دولت و دولت هم همیشه در آسایش مردم ساعی است و لکن در اینجا خود آقا میدانند که چقدر از مردم این تکلیف هستند . ممکن است الان در بعضی جاها نظر بآن شوقی که دارند برای متحد الشكل شدن بگویند آقای

فلان بجهت کلاه سران بگذارید . در صورتیکه اینجا این استثنائات تعیین میکند وضعیت عامه را . همیشه باید روی این اصل رفت که تکلیف مردم را مطابق قانون معین کرد بطوریکه نه محظوری برای مجریان قانون باشد و نه بالاخره برای مردم زحمتی باشد . لذا تصور میکنم این يك کار مهیا و حاضر و سابقه داری است و آقای آقا سید یعقوب هم مساعدت میفرمایند که با دو فوریت تمام بشود که تکلیف موکلین و همه مردم معلوم شود .
 جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است
 رئیس - رأی میکنیم بر فوریت اول آقا بانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اکثر برخاستند)
 رئیس تصویب شد . فوریت ثانی مطرح است . آقای عراقی
 عراقی - موافقم .
 رئیس - آقای افشار
 افشار - موافقم
 رئیس - آقای دشتی
 دشتی - موافقم
 رئیس - آقای شریعت زاده
 شریعت زاده - بنده با اصل این قانون کاملاً موافقم ولی بنده با فوریتش فقط از نظر لزوم مطالعه در قسمت مجازات مخالفم . چون مجازات يك چیزی است که باید در ضمن قوانین مربوطه بان وضعیت اجتماعی و وضعیت آن اشخاصی که باید آن مجازات ها را تحمل بکنند مذاقه بشود . از این نقطه نظر با تصریح باینکه این قانون بایستی در مملکت در فلان مدت اجرا بشود بر هر ایرانی واجب است که فکر متحد الشكل شدن افراد جامعه را تأمین بکند بنا بر این بنده این قسمت را لازم بمطالعه کامل میدانم و بان جهت پیشنهاد میکنم که به مرجع صحیح خودش که کمیسیون قوانین عدلیه است فرستاده شود که در قسمت مجازات تدقیقات کامله بشود که در اجرا آسایش اشخاصی که باید این قانون را تحمل بکنند

مراعات بشود بان جهت با فوریت ثانوی آن مخالفم
 رئیس - آقای افشار
 افشار - بنده از این فرصت استفاده میکنم و میخواهم يك چیزی بقای فیروز آبادی عرض کنم . آقای فیروز آبادی فرمودند در ممالک خارجه در بعضی جاها برای قوانین حتی سه فوریت قائل می شوند (بعضی از نمایندگان سه شور) . بلکه شور . ولی این قسمت را فراموش فرمودند که ممالک در خیلی از قسمت های مدنی شاید ششصد سال از ما جلوند و چوت ما از آنها عقب مانده ایم بناء علیه باید خیلی سریع جلو برویم تا بتوانیم خودمان را بمقام آنها از حیث تمدن و قدرت برسانیم آقای آقا سید یعقوب در ضمن بیانات خود شان نسبت باقلیت صحبت فرمودند البته نظر شان این بود که ایشان در مجلس اقلیت دارند یا در اقلیت هستند نظر شان این بود که نسبت بان موضوع بخصوص در اقلیت هستند . (آقای سید یعقوب - صحیح است) این خیلی اسباب تأسف است و خود آقای آقا سید یعقوب که يك شخص آزادی خواهی هستند و تصور هم میکنم که بالاخره اصولاً با این عقیده رفقای خود شان موافق باشند . بعلاوه این هم طرح است نه لایحه که از طرف دولت آمده باشد که گفته شود اختناق در کار باشد و نظر بنده اگر آقایان يك توجهی بفرمایند این يك موضوعی است که اگر ما بتوانیم برای این موضوع دنا فوریت هم قائل بشویم جا دارد . اگر ما يك مسافرتی با طرف و اکتاف مملکت خود مان بکنیم یا سیاحت نامه هایی که مسافرت نوشته اند درست مطالعه کنیم تصدیق خواهیم کرد که ما از حیث لباس يك وحدت شکلی نداریم . اگر يك مسافرت در مملکت ما بظرف شمال یا بظرف غرب مسافرت کنیم ببینیم يك مردمانی هستند که چهار تا شال روی کلاهشان می بندند . بعنوان کلاه سرشان است که در بخانه اغلب اگر ما این شکل هستند . کلاه قسمت عمده ایلات ما را اگر دیده باشند می بینند يك کلاه خیلی بلند بزرگی روی سرشان میکنند که ممکن است پشت آن کلاه سنگر بندی کرد و با يك عمده

دعوی کرد، اگر طرف جنوب رفته باشند می بینند ابراهیمها يك لباسهای خیلی بلندی میپوشند يك شال هم به کمر می بندند يك کلاه خیلی کوچکی شبیه به فنجان چای خوری سرشان میگذارند. بالاخره تصدیق می فرمائید که این شکل زندگانی نیست و بالاخره ما هم مجبور هستیم يك روزی ملت خودمان را تمیز بدهیم که دیگران وقتی وارد مملکت ما میشوند ما را با لباس خودمان بشناسند در قسمت بیانات آقای شریعت زاده بنده عقیده دارم ماهنوز داخل در مواد این طرح نشده ایم. ایشان بکنفر آوکای خیلی مبرز و مسلم این مملکت هستند و مدتها هم در مجلس کار کرده اند در قسمت مجازات اگر چیزی بنظر ایشان میرسد بهتر است خودشان مذاقه فرمایند و در تحت عنوان پیشنهاد بنده ما هم البته با نظرایشان موافقت میکنیم و بنظر بنده بهتر است آقایان موافقت فرمایند که این طرح زودتر امروز خاتمه پیدا کند

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

آقا سید یعقوب - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم رئیس - فرمائید

آقا سید یعقوب - آقای عراقی این قدر عجله کردن لازم نیست شما اکثریت دارید. بگذارید حرف زلیم يك قانونی که میخواهد در تمام مملکت اجرا شود باین عجله لازم نیست. بنده عرض کردم التماس کردم و البته بنده در اقلیتم و در هر چیز در اقلیتم شما که مطمئن هستید با اکثریت خودتان بگذارید سه چهار نفر که يك صحبتی در اطراف آن دارند بکنند برای بصیرت خودتان هم بهتر است. اینهمه عجله ندارد

بعضی از نمایندگان - فرمائید

آقا سید یعقوب - اجازه میفرمائید

رئیس - نوبت ایشان نیست. آقای عراقی عراقی - بنده خیلی متأسفم از اینکه آقای آقا سید یعقوب میفرمایند بگذارید ما حرف بزیم در صورتیکه صحبتهایی که خواهند فرمود در مواد باید فرمایند صحبتی را که ما در اینجا گفتیم کافی است راجع بقوریت

چون تمام متکسب است بیک مسائل روحی و اجتماعی که باین زودتها میشود تشخیص داد و از طرف دیگر بنده با فوریتش هم کاملاً موافق بودم و معتقد هم هستم که خیلی دیر شده است. بنده نظرم هست که در ابتدای دوره پنجم يك عده از وكلا تصمیم داشتند که این طرح را بپارند و نوشتند و يك عده هم امضا کردند منتها يك قوانینی پیش آمد که این ماند و این خیلی بعقیده بنده دیر شده است و هیچ مطالعه هم در اطرافش ندارد باید حتماً متحدالشکل شد مخصوصاً وقتی این نکته را هم در نظر بگیریم که این قضیه اجرا شده است یعنی اراده شخص اول مملکت این قضیه را در تمام نواحی مملکت اجرا کرده است و این در حقیقت يك روح وحدت و اظهار عقیده است که مجلس شورای ملی نسبت به شخص اول مملکت نشان میدهد از این حیث اشکالی ندارد. الان شما بخودستان تشریف ببرید دیگر عربی با چفیه و عقاب نمی بینید همه کت و شلوار پوشیده اند همه آدم شده اند

آقا سید یعقوب - آدم بودند

دستی - بنده عقیده دارم که شکل چفیه عقاب در ایران شکل آدم نیست و هم مخالف ملیت ما است (بعضی از نمایندگان - صحیح است) يك مسئله دیگر هم که مکن است آقای آقا سید یعقوب ابراد کنند مسئله عمامه است البته طبقه روحانیون باید عمامه داشته باشند و طبقه معنای باشند و آن احترامانی که مربوط به طبقه روحانیون است متوجه آنها باشد و هر کس خودش را قائل آنها نکند چیز عجیبی است هر کس از خانه اش از زانش قهر میکرد يك عمامه کهنه سرش میگذاشت و روحانی میشد و مردم را اغوا میکرد پس بنا بر این از این نظر یعنی از نظر حفظ مقام روحانیت و از نظر ترقی اسلام هم باید مردم متحدالشکل شوند و بالاخره لباس روحانیون محدود بآنها باشد. ما در این قسمت مخالفت نداریم ولی بنده فقط چند نقطه نظر دارم یکی در ماده دو است. ماده دو بطور شامل نوشته شده، اولاً بعقیده بنده وعظ

باید مستثنی باشند چون آنها هم مشمول امور روحانی هستند و باید منبر بروند مردم را هدایت بکنند باید آنها را هم اجازه داد عمامه سر بگذارند یکی هم ملامهای دهات که آنها هم میبایست عقد و نکاح و امور روحانی اهل دهات هستند لهذا در این موضوع پیشنهادی تقدیم میکنم و استدعا میکنم با نظر توجه در آن نگاه کنند که اضافه شود کلیه وعظ و کلیه مباشرین امور روحانی مردم در دهات. برای اینکه آنها نه مجاز هستند نه اجتهاد دارند نه اجازه روایت حدیث دارند. در هیچ يك از اینها مجاز نیستند. چرا؟ برای اینکه يك شیخی است در آنجا عقد میکند، نکاح میکند، امور مردم را باید اجرا کند، این کارها را نمیتوانند با کت و شلوار و کلاه پہلوی بکنند (ملک آرائی - ممانعی ندارند) یعنی مناسب نیست. یکی هم اشکال بنده در ماده سه راجع به مجازاتی است که معین کرده اند البته این مجازات برای شهرها اهمیت ندارد ولی برای دهاتی سه تومان و پنج تومان زیاد است ما بنظرمان نمی آید چون حقوقمان سبب توامان است اهمیت نمیدهیم ولی باور کنید که دهاتی های ایرانی سه تومان را نمیتوانند بدهند باید گلیمشان را بفروشند سه تومان را بدهند. این کار مشکلی است. این است که بنده عقیده دارم باید مجازات آنها را تخفیف داد و با آنها ارفاق کرد و مساعدت کرد که هم این اصلاح مهم اجتماعی شروع و اجرا بشود و هم حقیقه اهالی دهات و مردم دهات مستاصل و پریشان نشوند. از همه اینها گذشته شما با این مجازاتی که معین می کنید يك شهر خوانی بدست مامورین دولت میدهد. برای اینکه اینها الحمدلله زنده میرقصدند. باصلاح بی می هستند. وقتی بگوئید که از دهاتی ها پنج تومان بگیرد متصل نوی سر آنها میزنند و پنج تومان میگیرند. آنوقت این طرز نوشتن هم که اگر مکرر شد باید مجازات مکرر بشود این دیگر معنی ندارد! آخر یعنی چه؟ یعنی بنده امروز کلاه سرم نگذاشتم ببرند نظمی پنج تومان بگیرند بعد هم که بیرون آمدم هنوز کلاه برای خودم درست نکردم و مجبورم با همان کلاه

راه بروم بدون کلاه که نمیشود نوبت آفتاب راه رفت باز دو مرتبه باید جریعه بشوم اینهم يك ترتيب تسلسلی است که دنباله خواهد داشت و بالاخره تمسول متمولین هم چیران این کار را نمیکند چه رسد بدهانی که بخواد هر دفعه پنج تومان بدهد و این را باید معین کرد که دفعه اول مجازات مدتش چقدر است پانزده روز بیست روز باید مدت معین کرد که اگر بعد از این مدت نکرده دوباره تکرار شود یا بعد از یکماه و الا بکمرته امروز ازش بگیرند فردا هم بگیرند پس فردا هم بگیرند اینکه نمیشود يك اشکال بنده در ماده چهارم است . ماده چهارم بعقیده بنده بد تنظیم شده است عرض کردم در شهر ها و قضایائی که ادارات دولتی کاملاًست نظمه است امنیه هست صلحیه هست حکومت هست اینها بعقیده بنده سه ماه کافی است زیرا امروز عموماً و اغلب دارای این لباس هستند سه ماه وقت برای آنها کافی است . لکن در دهات که این چیزها نیست باید مدت را زیاد قرار داد اولاً شش ماه یا نه ماه برایشان مدت باید قرار داد برای اینکه اصلاً در دهات کلاه دوز نیست نا آن دهاتی نباید شهر پول هم داشته باشد و بخواد کلاه بخرد مدتی طول دارد البته باید برای آنها نه ماه مدت قرارداد یکی هم برای ایلات است . برای آنها يك مدتی بادوامتر از دهات باید معین کرد . اگر برای دهاتیها شش ماه معین کردند برای اهالی ایلات حتماً باید یکسال قرار داد . يك طوری باید قانون نوشته شود که حقیقه عملی بشود . صرف اینکه اینجا ما اظهار احساسات بکنیم و يك قانون تندی بنویسیم نمیشود . باید يك طوری بنویسیم که واقعاً مأمورین دولت هم دستشان نوبی پوست کرد و نرود و بتوانند این قانون باین مهمی را اجرا و عملی بکنند و رای مجلس هم محترم ماند .

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - آقای دشتی که در کلیات این قانون کاملاً موافق بود بنده همان بیاناتی را که ایشان فرمودند باید در يك موقعی عرض بکنم که بکنفر مخالفت کرده

باشد . این قانون اساساً مخالف ندارد . در محسنات نوحید لباس و اثرائش مذاکره فرمودند البته همه موافقت جزئیاتش هم که در مواد فرمودند البته اکثر آقایان هم ممکن است يك ایراد هائی و يك نظر بانی در مواد پیدا بکنند . در طرز عمل و اجرا با مسئله وجهی که باید بطور جریعه پرداخته شود یا در مجازات و البته آنطوری که فرمودند راجع به جزای نقدی بنده هم نسبت به رعایا و این طبقه خیلی زیاد میدانم ولیکن نه اینکه هیچ هم نباشد . باید طوری باشد که قابل اجرا باشد ولی چیزی که هست البته در ضمن اینکه يك جزای نقدی و يك مجازاتی معلوم میشود باید در این ماده تأیید بشود که وسایل پیشرفت کار هم در آن محل باید موجود باشد البته تا ترتیب کلاه دوز و ترتیب این کارها را در هر بلوکی ندهند که البته عملی نمیشود و این یکسال رفت دارد . در این یکسال از اول ۱۳۰۸ و حالا هم که چند ماه به ۱۳۰۸ مانده است در این مدت باید يك کارهائی بکنند و بطوریکه مذاکره شد در اکثر نقط ایران این جریان الان موجود است و این ترتیب هم پیش خواهد رفت الان ما از حوزه های انتخابیه خود مان اطلاع داریم که کلیه این کار را کرده اند در ضمن این مواد هم ممکن است يك اصلاحاتی بشود و بطوریکه فرمودند راجع به وعاظ یا دیگران در موقع طرح مواد ممکن است يك پیشنهادهائی آقایان بدهند بنده هم يك پیشنهادی دارم میدهم بعد در پیشنهادات مذاکره می شود و آقایان توافق نظر پیدا میکنند زیرا این قانون البته هم قدر ماکمل بشود و هر قدر افکار مختلف آقایان که هر کدام افکار عالی است با هم جمع بشود و در نتیجه آن يك موادی تنظیم بشود بهتر است

رئیس - آقای افشار

افشار - موافقم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بد بختی این است که اسم تمام موافقین را هم جلوتر ثبت کرده اند . بنده نمیدانم آقای مؤید احمدی چه مرتحتی دارند که اسم مخالفین را عقب تر مینویسند . اینهم يك بد بختی است آنوقت مقام ریاست میفرمایند اختناق نیست اختناق کدام است ؟ در نوشتن اسم فریاد بنده بلند است آنوقت اسم موافقین جلوتر نوشته میشود آن هم در این مطالب . خوب الحکم لله الواحد القهار (خنده تمام بندگان) آمدم در اصل موضوع بنده عرض میکنم آقا اصل وضع این قانون و ایجاد قانون خوب توجه فرمایند با آنکه همانطور که آقای دشتی بیان کردند مردم که بالطوع والرغبه خودشان برای علاقه مندی به شخص اول مملکت و پادشاه اسلام متحدالشکل میشوند و علاقه مندی به این کار دارند ، دیگر مجلس شورای ملی چه کار دارد که این را قانون بکند ؟ این راجع به معارف مملکت است ؟ امنیت مملکت است ؟ ضحیه مملکت است ؟ چه چیز مملکت است ؟ ما باید در این جور مطالب در مجلس بحث بکنیم . در مصالح و منافع مملکت صحبت بکنیم . مصلحت و منفعت این چه چیز است ؟ اینکه فرمودند اگر کسی در ایران . . . بنده عقیده ام اینست که آنطرف جزیره العرب هم جزء ایران است . ایران محدود به ایران فعلی نیست . بنده معتقدم که مطابق سابقه اینها همه جزء ایران است و نتوانستیم نگاه داریم و بنده تماماً اینها را جزء ایران میدانم و این عقیده را دارم و همینچنین هم ما داریم و پیش میرسیم . اینکه میفرمایند آن کسی که چپیه عکمال داشته باشد آدم نیست خیر آدم است ، ما تبعه ماان بیشتر از این خواهد شد چرا ؟ برای اینکه الحمدالله ما دارای يك شخصی هستیم که در تحت لوای این شخص جزیره العرب را هم يك روزی باید انشاء الله بتوانیم داشته باشیم . بنده عرض میکنم تبعه ایران در زمان داریوش خیلی بیش از اینها بوده است و يك قسمت از ملل دنیا در تحت تبعیت و لوای ایران بودند و مملکت ایران هم از رود دانوب تا دجله بوده است و تمام اهالی این جاها در تحت تبعیت ایران

بوده اند و ایران آنطور بسط داشت همه هم این لباسها را داشتند . ایران محدود به این حدود مضیق که جنوب و شمال و شرق و غربش محدود باشند نبوده . راجع به متحدالشکل شدن لباس بنده عرض میکنم . بیایید نگاه کنید فلسفه نوشتن این قانون و فایده که ما از این قانون برای این ملت تحصیل میکنیم چیست ؟ آقای عباس میرزا يك چیز هائی میفرمایند ، بنده آقا قتاله گفته این مشروطه و قانون هستم . آقای عباس میرزا و آقای عرفی بقدری تند میرند که آزادخواهان بگردشان نمیرسد که اگر ما سوار آثروپلان هم بشویم نمیرسیم . همانطور که آقای دشتی بیان کردند و همه نان هم تصدیق کردید این قانون يك معایبی دارد و باید درود در کمیسیون و مواد و مستثنیات و تمام اینها را در کمیسیون نگاه کنند و ترتیب اجراء آن را تحت نظر بگیرند و حالا که میخواهیم يك دسته کلی بدست ملت بدهیم يك کاری نکنیم که اسباب تضییقات برای اینها درست بکنیم ، میفرمایند شش نفر در کمیسیون مبتکرات هستند بی شش نفر است ولی وقتی که این لایحه چاپ شد بین مردم منتشر شد و مردم از نظر ما مطلع شدند اگر این قانون نقایص داشته باشد باید تکمیل کنیم . پس فلسفه کمیسیون چه چیز است ؟ لایحه را که دولت میآورد مجلس که طبع و توزیع می شود بین همه . پس کمیسیون برای چه تشکیل میشود ؟ برای اینکه لوایح برود بکمیسیون و از مطالب آن همه مستحضر شوند و يك نظر بانی که دارند بکمیسیون بدهند مثل همین مطالبی که آقای دشتی بیان کردند . آقا این دهات وقتی که میخواهند به مردم شان نماز بخوانند باید آخوند باشد . زن را حتماً باید آخوند عقد کند و يك کسی باشد که چهار ذرع کرباس دور سرش باشد . مردم که عقیده اش این است . يك خرده معارف را زیاد تر کنید . آنوقت بگوئید که اگر کسی کلاه هم داشته باشد میتواند این کار را بکند ولی هنوز این عقیده را ندارند . بمرده اش اگر آخوند نماز بخواند دفن نمیکند . مردم اینطور هستند ، همینطور که آقای دشتی فرمودند باید دقت کرد ، مرده که میگوید زخم را

باید آخوند عقد کند، میگوید به اطلاع نظمیه میخواهم باشد پس حالا بابت آنها را بیشتر مستحضر کنیم وقانون را بیشتر درس بحث کنیم و افراد مردم را در این باب اطلاع بدهیم تا از این قانون خوب مطلع شوند. چه ضرری دارد که برود به کسیون و درس يك بجهتائی بشود و در اطراف این قانون کاملاً مطالعه شود و تا این مخالفت ها نشود و در اطراف آن کاملاً مطالعه شده است اصلاً بنده مخالف هستم یا وضع این قانون.

رئیس - آقای افشار

افشار - موضوع مذاکره و بحث ما در اینجا جغرافیای قدیم ایران هیچ نبود که ما بخواهیم بگوئیم بالاخره يك وقتی حدود و ثغور مملکت ما در دوره سیروس یا اردشیر با یکان با دارای اول چه طور بوده است و ما حالا چه فرقی نسبت به گذشته ایران داریم، البته وظیفه هر ایرانی است که تاریخ گذشته خودش را فراموش نکند و مطمح نظر شان باشد که يك روزی به آرزوهای دیرینه خودش برسد و به مملکت خودش توسعه بدهد. این موضوع يك موضوعی است که راجع به وحدت لباس است که عقیده يك عده این است که وحدت لباس در وحدت ملیت و وحدت زبان در استقلال نام و تمام مملکتی مؤثر است. آقای دشتی در قسمت بیانات خودشان فرمودند باید دائره استثنای قدری وسیعتر کرد، بنده با وسعت دائره استثنا کاملاً مخالفم و عقیده ام این است که عمامه وعظ نمیکند واعظ وعظ میکند شخص واعظ اگر يك آدم متبحری و يك شخص فاضل و مطلق از حقیقت اسلامی باشد از بیانات او حسن استفاده میشود و سوء استفاده نمیکند. آقایان خودتان میدانید، آقای آقا سید بقوب؛ توجه بفرمائید ما اخبار صحیح داریم اخبار سقیم داریم محکم داریم، ضعیف داریم، متواتر داریم، غیر متواتر داریم بالاخره اگر شخص واعظ نتواند حدیث صحیح را از سقیم و محکم را از ضعیف تشخیص بدهد و برود بالای منبر يك عده که حقیقه از بدیختی و فتنه معارف بی سواد هستند بروند پای منبر وقتی که آن واعظ آن

احادیث را تشخیص ندهد هر چه او میگوید مرکوز ذهن عوام میشود و تولید يك اختلافاتی در اذهان مردم میکند بنا بر این عقیده بنده این است که دیانت با لباس نیست اسلام هم لباس نداشته بالاخره ما ایرانی هستیم و در عین اینکه ایرانی هستیم متدین به دین اسلام هستیم و باید عمل به حقیقت اسلام بکنیم و حقیقت دیانت را ملاحظه کنیم نه اینکه فقط متظاهر باشیم به يك کسوه که نازه معلوم نیست این کسوه اسلام باشد. بناء علیه بنده عقیده ام این است که همانطوری که این لایحه این جا تنظیم شده است بگذرد باید علمای دهات مردمانی باشند که آن دهاتی که بالاخره فکرش يك فکر ساده است و هر صحبتی در ذهن او مرکوز و مرتسم میشود يك خبری بشنود و به این دهاتی يك خبری گفت که اگر حدیث یاد میگیرد حدیث صحیح یاد بگیرد دهاتی اگر حقیقه متدین است باید معتقد به این دیانت باشد و الا اگر فردا دهاتی بگوید که چون فلان زید یا فلان معلم یا آخوند که عمامه ندارد عالم نیست و معتقد باین باشد که شخص غیر عمامه نماز میت را نمیتواند بخواند بهتر این است که يك آدم عامی صرف عمامه به سر نماز میت آرا بخواند.

احتشام زاده - بنده اخطار دارم

رئیس - بفرمائید

احتشام زاده - مطابق ماده ۴۲ که بنده قرائت میکنم میبایستی چون این طرح مربوط است از نظر مجازات به وزارت عدلیه و از نظر اجراء به وزارت داخله باید وزیر داخله و وزیر عدلیه حاضر باشند ماده ۴۲ مینویسد: اگر طرح قانونی که از طرف نماینده پیشنهاد شده است راجع به یکی از وزراء مسؤول باشد موافق اصل چهل قانون اساسی باید آن وزیر را مطلع نمود که خود یا معاون او حاضر شده مذاکرات در حضور او بعمل آید

بعضی از نمایندگان - این جا مورد ندارد

رئیس - آقای عراقی

عراقی - آقای احتشامزاده يك اشتباهی در این جا کردند و آن عبارت از این است که تصور کردند که ما میخواهیم يك قانونی برای عدلیه بنویسیم که وقتی يك نفر مجرم وارد محاکمه شد معین شود که چطور محاکمه کنند آنوقت لازم است وزیر مسؤول بیاید اینجا، خبر اینطور نیست. يك طرح قانونی داده ایم و مجازات آرا مجلس اینطور معین کرده است و بعلاوه آخرش هم نوشته است دولت و اسم هیچ وزیری را نیارده ایم دولت مأمور تنظیم نظامنامه و اجرای اینقانون است این يك چیزی نبوده است که خود دولت داده باشد که ما بگوئیم باید وزیر مسؤول آن این جا باشد و اینطور نیست و اخطار جنابعالی وارد نیست.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

فیروز آبادی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - بنده عقیده ام این است که در این قبیل مطالب بیشتر از این صحبت شود و مذاکره شود و چنانچه مذاکرات کاملتر شود مطلب بهتر حل میشود و خوب است اجازه بدهند که مخالفین و موافقین تماماً صحبتشان را بکنند بعد وارد مواد شویم

رئیس - آقای عراقی

عراقی - متأسفانه بنده می بینم که آقایان وقتی مذاکره میفرمایند میفرمایند که بگذارید مخالف و موافق صحبت کنند، خوشبختانه بنده دیدم جز آقا و آقای آقا سید بقوب مخالفی دیگر نیست و آقا هم که میفرمایند مذاکره کافی نیست در مواد مذاکراتی فرمودند فقط آقای آقا سید بقوب فرمایشانی فرمودند و جواب هم به ایشان داده شد و بعد هم اشکالی داشته باشند میفرمایند و جواب به ایشان داده میشود و این که میفرمائید مذاکره کافی نباشد خودتان هیچ در مواد مذاکره میفرمائید اگر هم حرفی دارید ممکن است در

هر ماده مطالب خودتان را بفرمائید و جواب داده شود دیگر عدم کفایت مذاکرات در اینجا مورد ندارد. رئیس - رأی گرفته میشود به کفایت مذاکرات موافقین قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی میگیریم به ورود در شور مواد. موافقین قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول

(بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - آقای افشار

افشار - موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عقیده ام همیشه با اصلاحات و امنیت مملکت است که امروز الحمدالله دارا هستیم... آقا سید بقوب - (خطاب با آقایان منشیان) باینده دشمنی دارید؟ چرا اسم مرا نمینویسید؟ چیز غریبی است!

رئیس - عرض کنم. آقایان آگاهی دارید که در این طور مواقع تمام آقایان با قسمت زیادی زیادی از آقایان اجازه میخواهند و برای منشی نوشتن اسامی يك مرتبه ممکن نیست چشمش به هر موردی که تصادف می کند آن جا را مینویسد.

آقا سید بقوب - چرا این چشم بطرف من نیاید؟ عجب چشمی است که تمام متوجه موافقین است؟

رئیس آقای فیروز آبادی بفرمائید

فیروز آبادی - بنده عقیده ام این است که ما باید

در این مجلس در اصلاحات و در امنیت مملکت گفتگو کنیم که بمحمدالله دارا هستیم و باید شکر این نعمت را کرد که امروز مملکت ما بک امنیت خوبی را داراست و تشکر میکنم از موجد آن . اما اگر ما در کلاه و تنبان مردم در این مجلس صحبت کنیم این را نمیدانم صحیح هست یا نیست ؟ آقایان بزرگان : شخص اعلیحضرت راضی نیستند به این مطلب که مادر کلاه و تنبان مردم در این جا صحبت کنیم ما باید مردم را وادار کنیم به کار های خوب بیشتر وارد کنیم بهتر است و الا در اتحاد شکل بنده عقیده ندارم که در مملکت ما آنقدر نتیجه داشته باشد . بنده شنیده ام که در لندن که مهد تمدن است بیست و هفت نوع لباس مردمش میپوشند و هیچکس متعرض کسی نمیشود و بنده هم نشنیدم که در دنیا در هیچ پارلمانی بنشینند و قانون بجهت کلاه و تنبان مردم بنویسند اگر آقایان شنیده اند نمیدانم در مجلس باید نشست و بجهت مردم کار پیدا کرد که به آسودگی زندگانی نمایند در مجلس باید گفتگو از استخراج معادن مملکت کرد که همه در زیر زمین دفن است و مردم در کمال پریشالی زندگانی میکنند در ایران باید ایجاد کارخانجاتی کرد که تا کنون ما نتوانسته ایم ایجاد کنیم ، یک کارخانه کاغذ سازی نتوانسته ایم در این مملکت ما تا حالا ایجاد کنیم و همیشه گفته میشود بعد خواهد آمد . آقای افشار میفرمایند که ما باید اتحاد زبان داشته باشیم در صورتیکه ما سالی صد هزار تومان بجهت یاد گرفتن السنه خارجه داریم خرج میکنیم شاید زیادتر در بیست هزار تومان لابد خواهیم گفت که آن زبان رسمی نیست زبان علمی است و این مطلب داخل در بحث ما نیست که ما اتحاد زبان داشته باشیم یا نداشته باشیم . در هر صورت بنده عقیده دارم که مردم را به آزادی خودشان بگذارند و خدا شاهد است محبوبیت بین دولت و ملت در آزادی است و در لباس و بعضی چیزهای دیگر پیدا میشود دیروز از دم دروازه میگذاشتم دیدم یک عده ایستاده اند هر کس می آید کلاهش را میگیرند پاره میکنند بدون استثناء خوب

هفت نوع لباس در لندن نیست . عرض کنم آقا بیان فرمودند که مجلس شورای ملی باید بنشیند برای استخراج معادن برای ایجاد راه آهن برای کار های عام المنفعه وضع قانون کند . این کار ها هم در این مملکت و در این مجلس بنده است و در آئینه هم خواهد شد ولی این را باید آقا تصدیق بفرمایند که در خارج هم به طرز لباس مردم پارلمانی دنیا پرداخته اند ...

آقای سید بهقوب - افغان

افشار - و هیچ مقتضی نیست که ما در این مملکت اجازه بدهیم که بوسیله تشمت طرز لباس یک حس وطن پرستی محلی ایجاد بشود . فرض بفرمایید که اگر یکی برود به خاک قشقائی اهالی قشقائی تصور میکنند که ایرانی باید آن لباس خودشان و آن عبا را بپوشند و ایران هم عبارت است از آنجائی که ایل جلیل قشقائی زندگانی میکنند برای اینکه لباس نصاب میاورد تعصب وقتی که توسعه پیدا نکرد نسبت به مملکت شامل نبود و به محلی شامل شد قطعی است که مملکت وحدت ملی خودش را نمیتواند حفظ کند و عده هستند (خود آقا تصدیق بفرمایند) که کلمات فارسی را به مخارج عربی ادا میکنند و میگویند که ما عالم هستیم . ما میخواهیم این اشخاصی که کلمه فارسی را به مخارج عربی ادا میکنند و خودشان را عالم میدانند و حکم تکفیر صادر میکنند از اشخاصی که حقیقه روحانی هستند متمایز باشند ؛ ما میخواهیم مقام شایخ روحانیت در این مملکت متمایز و محترم باشند و ما میخواهیم یک اشخاصی که حقیقه عالم نیستند خودشان را به کسوة آنها داخل بکنند و یک کسی که از زمره غیر روحانی است از حیث معلومات داخل زمره روحانی حقیقی نشود ما نظر نداریم مقام روحانیت را در این مملکت متزلزل کنیم یا اینکه عده آنها را به این وسیله تقلیل کنیم وقتی شما مقام روحانیت را تعظیم و بزرگتر کردید عده حقیقی روحانیت بزرگتر میشود و بزرگتر می شود و وقتی که قدر روحانیت بزرگتر میشود دیگر هر نوع خودی خودی را داخل آتش نمیکند و بگنویند که من روحانی هستم و ...

مخالف ابن ترتیب هستیم .
رئیس - آقای شریعت زاده
شریعت زاده - عرضی ندارم .
رئیس - آقای مفتی
مفتی - در این ماده عرضی ندارم
رئیس - آقای یاسائی
یاسائی - استدعا میکنم ماده اول یک مرتبه دیگر قرائت شود تا مخالفتم را عرض کنم ...
ماده اول مجدداً خوانده شد

یاسائی - بنده با دوفوریت و اساس این مسئله موافق بودم و رای دادم ولی در مواد آن یک نظریاتی دارم که میخواهم بعنوان مخالفت عرض کنم . اما در ماده اول کلیه اتباع ایران باید بنظر بنده اتباع ذکور باشد چون که با این ترتیب شامل انثا هم میشود و قانون را نباید طوری بنویسیم که انهام داشته باشد . دیگر اینکه عبارتی که در ماده هست برای مستخدمین دولت گمان میکنم کافی نیست ما برای مردمان آزاد یک ترتیبی قائل میشویم که وقتی که میروند توی بازار مجلس به لباس متحد الشكل باشند ولی مستخدمین دولت که دارند لباس را مسخره میکنند و بیرون که می آیند لباس دیگر میپوشند و از خزانه دولت هم ارتزاق میکنند . اطاعت از نظامات و زارخانه هم نمیکند با این ترتیبی که این ماده مینویسد معاف هستند یعنی همانطور که رفتار میکنند مختارند و بعقیده بنده این عبارت باید اصلاح شود و یک پیشنهادی هم تهیه کرده ام و تقدیم میکنم که کلیه مستخدمین چه در موقع اشتغال بکار اداری و چه در غیر آن مورد مکلف هستند که لباس مخصوص خود را بپوشند و لباس اداریشان بحال سابق باشد و الا جرم میشوند

رئیس - آقای زوار

زوار - نماینده محترم با ماده مخالفت نفرمودند که جواب ایشانرا بدم فقط در قسمت انثا و ذکور بود که نمایندگان اطاعت میفرمایند . این قانون برای ذکور وضع میشود .

رئیس - در اینجا پیشنهاد کننده آقای عراقی به بنده تذکر دادند و در موقع تصویب کلمه ذکور را علاوه می کنیم و این اعتراض اعتراضی بموقع است. آقای آقا سید یعقوب .

آقا سید یعقوب - آقای افشار فرمودند که وقتی لباس را وحدت دادیم حس وطن پرستی پیدا میشود و این حرف در مردم ایجاد حس میکند. صاحب عقیده و صاحب حس در لباس پیدا میشود؟ حس وطن پرستی در لباس پوشیدن پیدا میشود این يك معنائی است که در اشخاص بزرگی که دارای يك مقامات عالی هستند پیدا میشود. این طور نیست که حس وطن پرستی در لباس پیدا شود بروید دارای عقیده پیدا کنید. کسانی که دارای عقیده هستند نبات قدم دارند هیچ بادی در نمیروند آنها کسانی هستند که در مقابل سلبهایی که می آید می ایستند و حفظ خودشان را میکنند لباس ابداً مداخلت ندارد نه در اسلام نه در غیر اسلام نه در ایران و نه در غیر ایران هیچ وجه لباس در وطن پرستی مداخلت ندارد. حس وطن پرستی همان حس بود که در مواقع خودش آن اشخاصی که مقاومت کرده بودند و نام آنها هم در تاریخ هست نه مثل آنهاست که موقع امتحان که می آید تغییر عقیده پیدا میکنند. خدا نکند که روز امتحان پیش بیاید و امیدوار هستیم که همین جور سلطنت پهلوی برقرار باشد و روز امتحان پیش نیاید که بنده خدمت جنابعالی خجالت بکشم. اما مسئله حکم تکفیر، مسئله حکم تکفیر در کار نبود که بیابند و عربی بگویند و حکم تکفیر بدهند، صحبت اینها نبود و صحبت اینها که من میدانم و خودت در آن مقام آزادی خواهی میدانی نبود. صحبت این است که ما آمده ایم برای این ملت کار کنیم و باری از دوش این ملت برداریم ما آمده ایم که این ملت را به يك مقام عالی برسانیم. همین حقی را که آقای حاج سید رضا بیان کردند این قانون به جز از بین بردن آن چیزهایی که در ایران ساخته میشود برای مردم از دیگری ندارد، عبا باقی از بین رفت ...

محدود کردن و مضیق کردن و گرفتن حقوق مردم هیچ فایده ندارد و این قانون هیچ نتیجه ندارد غیر از اینکه يك تحمیلی به مردم میشود و آن مجازاتهایی هم که روز مباده سوم نوشته شده است بعد از این در دهات خواهد شد و يك ترویج کاملی از امتعه خارجی میشود. و عجب کاری کردیم در دوره چهارم که قانون البسه وطنی را گذرانیدیم. اینها تمام نتیجه همان قانون است. قانون البسه وطنی را گذرانیدیم که بلکه مردم بتوانند از دسترنج خودشان ارتزاق کنند و لباس بپا کنند و ببوشند ولی خدا شاهد است این قانون ریشه اش کهنه شد. نگذارید بیشتر از این کهنه شود بگذارید این قانون بحال خودش باقی باشد.

رئیس - آقای اعتبار
اعتبار - بنده آقای آقا سید یعقوب را خیلی ذکی تر و باهوش تر از این میدانم ...
آقا سید یعقوب - ندانم ایداً ندانم.

اعتبار - که در يك امر بدیهی و مسائل قطعی که خودشان قطعاً آرا احساس میفرمایند آنقدر مقاومت بفرمایند. البته این اصرار از نقطه نظر لباس فعلی خودشان است که يك قدری میخواهند برخلاف میل باطنی خودشان صحبت کنند ...

آقا سید یعقوب - علم به باطن من هم دارید؟
اعتبار - بلی. فرمودند که توحید لباس توحید فکر نمیکند. بنده تصور میکنم خود آقای آقا سید یعقوب اگر توجه بفرمایند به وضعیت ولایات و ایالات و عشار مخصوصاً به لباسهای مختلفی که آنها دارند و بالاخره همان لباس ایجاد دوئیتی که بین آنها میکنند و آن دوئیت نتیجه اش به يك کشمکش و بالاخره جنگ و جدال و خونریزی که سوابقش برای ما متأفانه هنوز محفوظ است اینها بیشتر در اثر لباسهای مختلف بود و بنده تصور میکنم این که میفرمائید که باری به مردم تحمیل میکنم بالعکس این باری است که از دوش مردم بر میداریم مجلس نمایندگان مجلس صالحترین مردمی هستند که در مضار

و مصالح مردم که آنها نمی بینند وضعیت را دخالت کند و در آن مضار و مصالح وارد شود و ایجاد قوانین آن اختلاف را مرتفع مینماید. الان ملاحظه بفرمائید همان طور که فرمودید بکنده روی يك شوق و شمع چنانچه آقای عراقی توضیح دادند در ولایات جشن ها گرفتند و تغییر لباس دادند ولی يك عده همینطور مانده اند و مرددند که چه کار کنند و بالاخره يك ملاحظاتی و يك رودرباستی ها هست که برای آنها يك تکلیفی معین نیست واقعا این سفری که بنده مخصوصاً در این قسمت کردم میدیدم که يك عده از آقایان میل دارند بردارند ولی منتظر است و مردد است که به بیند آن یکی چه میکنند بر میدارد که او هم بردارد این قانون را که ما گذرانیدیم این تکلیفات برداشته میشود و مردم به آن نیت باطنی خودشان که دارند اقدام میکنند مطلب دیگر این که این قانون ملای صحیح در این مملکت درست میکند شاید الان اینطور نباشد یعنی تا بحال آزاد بودند اشخاص که عمامه سرشان بگذارند و هر قدر هم عمامه بزرگ بود بهمان اندازه معنون تر بود ولی امروز اگر چنانچه ما برای همه يك خصوصیتی قائل میشویم و برای آن طبقه يك خصوصیتی دیگر قائل میشویم برای همین منظور است و البته يك علمای خوبی در نتیجه این تهیه میشود يك قسمتی را آقای آقا سید یعقوب فرمودند که بعقیده بنده این جور چیزهای کوچک در مقابل اصلاحات اساسی خیلی کوچک است عبا رود بجهنم رود
آقا سید یعقوب - عبادت میکنیم
اعتبار - بلی عبا دست میکنیم بپوش
می کنیم من جمله خود آقای آقا سید یعقوب .
از این لباس آقا چند دست کت و شلوار در می آید؟
از این عبا و قبا و لباده سه دست چهار دست لباس بیرون می آید و این اصلاح و صرفه همان دهنها است که آقا آنها توجه دارند وقتی لباده را دو دست کت و شلوار کردند دو مرتبه بجای يك مرتبه می پوشند. در هر حال بعقیده بنده مصالح و منافع این قانون با اندازه

بند می‌ماند بلکه هر چه ما بخواهیم در امور ما آشفته بحث کنیم بگزار است و هر قدر هم آقا در این قضیه بهالفاظه فرمایند بنده قطع دارم که این عقیده قلبی شان نیست و از نقطه نظر لباس فعلی شان است اینهم انشاء الله اصلاح میشود با تصویب این قانون

آقا سید یعقوب - فرمایند آقا. فرمایید چه حرفی است میزید. من از شما نمیگذرم خدا از شما نگذرد من اهل عقیده هستم چرا دروغ میگوئید؟

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

کازرونی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمایید

کازرونی - عرض کنم که بنده یکی از موافقین این لایحه هستم لکن عقیده ام این است اگر کسی يك فکری دارد اجازه بدهند آن فکرش را بگویند و اظهار نظر بکنند اینک ضروری ندارد. اگر باین مخالفت در کفایت مذاکرات يك تغییراتی در اوضاع پیدا میشود که بنده استرداد میکنم و الا بگذارید حرف زده بشود دو دقیقه سه دقیقه نوبت بيك نفر برسد و اظهار نظر بکنند و باینقدر هم بنده عقیده ندارم عجله بشود.

رئیس - رای میگیریم بکفایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی است. پیشنهادات قرائت میشود.

عراقی - اجازه میفرمائید؟

رئیس - بفرمائید.

عراقی - خوست قبل از قرائت پیشنهادات بفرمائید در ماده اول بعد از اتباع لفظ ذکور اضافه بشود. تقاضا می‌کنم آقای منشی بنویسند اتباع ذکور ایران.

رئیس - اضافه نمیشود. پیشنهادات قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای ناسائی: ...

بنده پیشنهاد می‌کنم در ماده اول اضافه بشود ...

پیشنهاد این دولت تکلف هستند چه در موقع اشتغال بکار دولتی و چه در غیر آن لباس مخصوص قضائی با اداری ملبوس شوند

ناسائی - بنده توضیحی که لازم بود قبلاً دادم و گمان می‌کنم وقتی که مردم آزاد را ما مجبور کنیم خوست مستخدمین دولت را هم مکلف کنیم که از این وضعیت امروزی بیرون بیایند و بهمان لباس اداری یا قضائی ملبوس باشند

رئیس - آقای زوار

زوار - عرض کنم که این جا بنده محترم مقصودشان رؤسای ادارات و مستخدمین ادارات است که مخصوصاً مقید کردند در پیشنهادشان و البته تعیین لباس هم يك اصل مسلمی است که همه موافق هستند ولی قضات در وقت اشتغال بکار قضات يك لباس مخصوصی دارند در خارج هم يك لباس مخصوصی دارند مثل لباس سابرین و البته این ماده شامل حال شان میشود چون هم مستخدم دولت هستند هم از اتباع ایران هستند دیگر ذکر این پیشنهاد کفایت می‌کند. مورد است. چون مستخدم که لباس خودش را در بردارد قاضی هم که در خارج لباس متحدالشکل را میپوشد و فایده و نفعی ندارد این پیشنهاد.

رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای ناسائی آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای لاریجانی:

(این قسم قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که بعنوان تبصره در ماده اول اضافه شود تبصره به اتباع ایران که بخارج می‌سافرت نمی‌نمایند و همچنین اتباع ایران که در خارج اقامت دارند معمول این ماده می‌باشند ...

جمعی از نمایندگان - عملی نیست ...

لاریجانی - در صورتیکه این پیشنهاد بگذرد عملی نباشد ...

(همه نمایندگان - صدای زنگ رئیس)

کازرونی - بنده قبول میکنم

آقا سید یعقوب - بنده قبول میکنم ..

رئیس - بنده می بینم قضائاتی که مطرح میشود ما التماس است و با این ترتیب کمان نمی‌کنم کار خانم پیدا کنند نمی‌توانم قدری آهسته ز جلو بروم چون بالاخره بنده نمی‌توانم نطق هیچ ناطقی را تشخیص بدهم مگر اینکه قدری با مقالات حرف زاید آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - عرض می‌کنم این قانونی را که ما داریم می‌نویسیم برای بعد از این و مردمالی که از سرمایه شخصی شان می‌بخورند آنها را مجبور می‌کنیم خوب است آن کسانی را هم که از سرمایه و خزانه مملکت ارتزاق می‌کنند بشمول باشند بنده معتقدم که شاگردان مدارس که بخارج اعزام میشوند - مأمورین دولت که از خزانه ارتزاق میکنند و نوکر این خزانه هستند آنها هم در خارج بگذارند ...

جمعی از نمایندگان - نمی‌گذارند

آقا سید یعقوب - چرا نمی‌گذارند. مجبورشان کنید پول میگیرند. شاگردان ما - مأمورین ما - سفرای ما - وزرای مختار ما - قنصلها ما - شازده‌ها ما هم باید دارای این لباس باشند چه عیبی دارد؟ میگویند بیرون شان می‌کنند؟ خیال میکنید که دوره شاه وزوزک است؟ خیر. دوره اعلیحضرت پهلوی است چطور بیرون می‌کنند؟

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بنده در عین اینکه با این پیشنهاد کامل موافقت را دارم ولی میدانم که این پیشنهاد عملی نخواهد شد. مثل اینکه نظیر این را هم دیدیم وقتیکه لباس وطنی تصویب شد در این مجلس برای مستخدمین کشوری ما در خارج هم مستخدمین داشتیم نشان بدهید بکن از آنها این را عملی کردند؟ بنا بر این بنده عقیده ندارم که يك چیزی را ما تصویب کنیم که مورد بی‌شرفی نباشد

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهادی که اخیراً آقای آقا سید یعقوب قبول کردند آقایان موافقین قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای کازرونی (این قسم قرائت شد)

کلیه اتباع ذکور ایران مکلف هستند که در داخله مملکت کلاه پهلوی بر سر گذارند و از این حیث متحدالشکل باشند

کازرونی - بنده کم کم می‌بینم که آقایان يك قانونی می‌گذارند که بعد دچار اشکال میشود. و بواسطه اشکال عقیم می‌ماند. عرض کنم که مردم يك کلاههای مختلفی تا بحال بر سر می‌گذاشتند ما گفتیم که این کلاهها را بردارند و متحدالشکل شوند از حیث کلاه ولی اگر بنا باشد که کت و شلوار را هم تمام مردم بپوشند باید يك نظریه بخارج طهران بکنیم بهینمیشود یا خیر؟ بنده قسمت جنوب را شما نشان میدهم که مردمان صحرائی و دهائی که اکثریت ایران را تشکیل میدهند لباس آنها عبارت است از يك پیراهن و يك عبای نازک و يك شلوار شما می‌خواهید آنها را مکلف کنید که کت و شلوار بپوشند؟ این که نمیشود بنده عرض میکنم که مقصود کلاه پهلوی است که مردم افغان را بر سر می‌گذارند ولی اگر بنا باشد که بمردمان جنوبی و سواحل جنوب گرمسیری بگویند که شما بروید کت و شلوار پیدا کنید اولاً کجا دست رس دارند که کت و شلوار شان را بفرستند بطهران؟! آنجا هم آن خیاطی که بتواند کت و شلوار بدوزد وجود ندارد و دسترسی هم بخياط ندارد علاوه آن کسانی که لباس شان منحصر بيك پیراهن و زیر شلواری است که زلت میدوزد قادر نیست که این لباس را بپوشد و ندارد و این اساساً غیر عملی میشود این عقیده بنده است حالا خود دانید.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده واقعاً خیلی متأسف هستم از فرمایش آقای کازرونی که همیشه می‌فرمایند جنوب. جنوب.

آقای شریف بپرید یک قدری بماند بدان و کیلان و سواحل شمالی آنها را که در جنگل کوسفند میچرانند - درخت میاندازند سید میکنند تمام کت و شلوار میپوشند. سرکار هی جنوب را می فرمائید. شمال را هم توجه بکنید. آن کسی که می فرمائید یک عبا دارد و یک پیراهن خیلی خوب همان پیراهن را زانش برایش کت میکند و شلوار را هم قدری تنگ تر می کند و میپوشد اینکه می فرمائید کلاه پهلوی ما نخواستیم اسم در این قانون اسم ببریم. حالا قطعی است لباسی که فعلا در بین مردم متداول است عبارت از همین کلاهی است که سر همه مان هست و لباسی که ن همه مان هست و می بینید کلاه پهلوی و کت و شلوار است سرکار هم لازم نیست خیلی برای مردم اسف بخورید برای اینکه این لباس نمایی بر مردم نمی گذد یک زبانی هم بر مردم نمی کند. مگر ما گفتیم آقای کازرونی که لباس شان را بفرستند این جا پیش ما بارسون و با متر قدش را اندازه بگیرد و برایش بدوزد؟ آقا همان پیراهن که میفرمائید زانش میدوزد یا کسی که نا بحال برایش میدوخت آن را کت می کند و می دوزد و شلوارش هم که هست. پس این ایراد نشد ما گفتیم که مردم متحد الشكل باشند همان پیراهن هم تنش باشد آنقدر هم لباس قبیح باین قانون نپوشالیم.

رئیس - رای می گیریم به پیشنهاد آقای کازرونی آقایان موافقین قیام فرمایند

(دو سه نفر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای دشتی : در ماده اول پیشنهاد می کنم تبصره ذیل اضافه شود : مقصود از متحد الشكل شدن کلاه پهلوی و لباس کوتاه حامل میمده میباشد

دشتی - عرض کنم که بنده يك تذکری داشتم که در ماده اول می خواستم بدم و نشد و نوبت به بنده رسید حالا پیشنهاد کردم و این تذکر را لازم دانستم که در مجلس شورای ملی داده شود تا مردم از روح قانون مطلع باشند که این قانون چه چیز است و مأمورین

دولت هم بهتر بتوانند مقصود را انجام بدهند و حقیقه آن اخطار و اظهار آقای احتشام زاده هم بجا بود و حق بود که یکی از اعضاء دولت در این جا باشند و در مذاکرات با ما شرکت کنند عرض کنم که متحد الشكل باین شکلی که در ماده نوشته شده است بنده معنائش را نفهمیدم چون خیلی مجمل است و مبهم و خیلی کلی است مثلا اگر يك ماموری ما داشته باشیم مثل میرزا ابوالقاسم خان بودجه در ولایات این ممکن است که لباس متحد الشكل را بگوید لباس چهار تکمه باشد والا باید جریمه بشوند هر کس فرضا ردنکت پوشید باید جریمه بشود با حتما باید لباس او بقیه عرابی باشد و اگر نبود مجازات میشود این ماده با این شکل ابهام دارد و باید توضیح داده شود که مقصود از متحد الشكل چه چیز است والا چیز غریبی میشود با این اوضاعی که مأمورین مادر ولایات دارند بعضی موشکافی های احقانه که بعضی اوقات در قوانین میکنند بر خلاف صریح قانون و مقصود مقرر این اسباب زحمت میشود و هر کس متحد الشكل را يك چور خیال میکند و اسباب زحمت مردم میشود. البته مقصود از متحد الشكل این نیست که يك کت و شلوار با برش معین باشد مقصود این است که از این لباسهای دراز و کج و کوله و کلاه های بقول آقای افشار مثل ديك با فنیجان نجات پیدا کنیم و اگر چنانچه ما میخواهیم حقیقه مردم متحد الشكل بشوند باید معین کنیم که چه چیز باشد. و اما اینکه آقای فیروز آبادی فرمودند آنهم صحیح است البته در آنجا همه يك شکل لباس نمی پوشند و نوع لباس آنها یکی نیست البته اختلافات دارند ولی ما میخواهیم از حيث لباس و کلاه همینطور که در تمام دنیا معمول است لباس کوتاه (کت) پوشیده شود که دیگر مأمورین دولت و نظمی و غیره برای مردم تولید اشکال نکنند. مقصود بنده این بود که رفع این ابهام بشود که زحمت مردم کم بشود و پیشنهاد خودم را هم مسترد میدارم

رئیس - پیشنهاد آقای بسامی (اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده اول اضافه شود : و کلیه مستخدمین دولت اعم از قضائی و اداری مکلف هستند در موقع اشتغال بکار دولتی لباس مخصوص قضائی یا اداری ملبس شوند و در غیر آن موقع باید لباس متحد الشكل ملبس گردند

باسامی - آن اشکالی که در آن پیشنهاد کردند در اینجا اصلاح کردم

جمعی از غائبان - صحیح است. رای. رای. رئیس - رای میکنیم بقبایل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر بر خاستند)

رئیس - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای احتشام زاده پیشنهاد میکنم - آخر ماده اول - بطریق ذیل اصلاح شود : لباس متحد الشكل (کلاه پهلوی و نیم تنه) بافته شده در ایران ملبس شوند.

احتشام زاده - در اینجا بنده دو نظر دارم یکی فقط از نقطه نظر تذکر است و ممکن است استرداد کنیم و آن را هم بکلاه پهلوی و نیم تنه است ولی يك نکته اش که مربوط است ببافته شده در ایران آن را اصرار دارم که قید بشود. در قسمت متحد الشكل آن را همانطور که آقای دشتی فرمودند لازم است تشخیص شود که نوع لباس چه چیز است که فردا اسباب زحمت مردم نباشد ولی چون طرز لباس موكول شده است بيك نظام نامه که دولت خواهد نوشت در آن قسمت اصراری ندارم ولی از نقطه نظر بافته شده در ایران بنده نظر دارم از نقطه نظر تعدیل واردات و صادرات مملکت و عملي هم هست و آقایان ملاحظه بفرمایند اگر چنانچه شما امروز این قضیه را عملی بکنید ... دولت شاهی عملی نیست.

احتشام زاده - بسیار خوب عملی است. آقایان خوبست تأمل بفرمایید که اگر شما هر قدر بخواهید مساعدت بکنید به کار خانهای داخلی خودتان با اینکه پارچه هایش ضعیف و خشن است ولی بالاخره يك روز

موفق خواهند شد که پارچه های خوب بیافند و تشویق که شدید خوب تر و بهتر می بافند که با پارچه های خارجی رابری و رقابت نمایند. ولی اگر توجه نکنید این جزئی هم که هست از بین می رود لذا بهتر این است در این موقع که می خواهند متحد الشكل کنند این قید را هم بکنند که از نقطه نظر اقتصادی خیلی مفید واقع خواهد شد اگر چه يك قانونی جدا گانه تصویب شده است ولی اگر در این جام تذکر داده باشیم بهتر است که پارچه های خارجی را کمتر استعمال نمایند و خودشان را مردم ملزم بدانند پارچه داخلی و وطنی استعمال نمایند.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - تصور می کنم آقای احتشام زاده قسمت اول را که فرمودند برای تذکر است قسمت دومش هم نامین شده باشد در قانون استخدام کشوری هست که مستخدمین دولت باید در موقع کار لباس وطنی بپوشند و البته آقایان و کلام همینطور موظف هستند و چنانچه مسبقا در هیئت رئیسه هم تصمیم گرفته اند و از ۱۵ دی ماه باید لباس وطنی پوشید و اما اینکه می فرمائید سایر مردم هم لباس وطنی بپوشند عجالتا وسایلی که سی کرور یا بیست کرور یا ده کرور مرد های شها را لباس بدهد در مملکت شما موجود نیست (صحیح است) والا بنده خودم میل دارم همه ایرانی ها در وطن برسی (که کملا وطن پرست هستند) و اگر لباس وطنی برای شان فراهم شود البته خود شان مقدم خواهند بود و شما میتوانید بعدها از دولت تقاضا بکنید از کپالی ها از سرمایه داران نان که پولهای شان را قایم می کنند تقاضا بکنید در بیارند و این کار هارا بکنند کار خاله پارچه بافی درست کنند و انشاء الله خواهید دید که مردم هم خودشان خواهند پوشید ولی حالا این يك تصبیقی میشود و بنده از سرکار خواهش میکنم که این پیشنهاد خود نان را هر در قسمتش راستند فرمائید - و بعلاوه این پیشنهادات بیشتر موجب تعویق کار میشود خوبست اجازه بفرمائید که این قانون زود تر تصویب بشود و بگذرد

احترام زاده - مسترد می‌کنم
 رئیس - چهار فقره پیشنهاد از آقای احتشام زاده -
 طاهری - شریعت زاده و صکیا در ضمن پیشنهاد آقای
 یاسائی تأمین شده است و ضرورت ندارد
 شریعت زاده و صکیا - صحیح است
 رئیس - رأی می‌گیریم به ماده اول با اضافه اصلاحی
 پیشنهاد آقای یاسائی آقایان موافقین قیام فرمایند
 اکثر برخاستند
 رئیس - تصویب شد ماده دوم مطرح است .
 این قسم قرائت شد
 ماده دوم - مجتهدین مجاز از مراجع تقلید مسلم که
 مرجع اول شرعی باشند و کلاه متألّهین و پیشنمازان
 دارای محراب و مجددین که از طرف دوفتر از مجتهدین
 مجاز اجازه روایت داشته باشند و طلاب مشتغلین بقره
 و اصول که در درجه خود از عهده امتحان برآیند و
 مدرسین آنان و روحانیون ملل غیر مسلم از مقررات این
 قانون مستثنی میباشند
 جمعی از نمایندگان - ختم جلسه
 رئیس - بنده خاطر نشان را متوجه میدارم که به پیش
 نهاد های شفاهی ترتیب اثر نمی‌دهم هر پیشنهادی دارید
 کتباً بدهید . آقای روحی با ماده موافقت؟
 روحی - مخالفم .
 رئیس - بفرمائید

روحی - بنده بر خلاف عقیده همکار محترم خودم آقای
 دشتی که میخواهند توسعه داده بدهند بنده بر عکس می
 خواهم تقلیل بدهم این دائره را که واقعا اگر مستثنی
 میشوند يك عده روحانی مسلم درجه اول که مرجع تقلیدند
 و معتزمت آنها معاف باشند و این قانون هم از نقطه نظر
 عظمت آنها وضع میشود . يك عده هستند مثل طلاب که این جا
 بی‌ربط استثناء شده‌اند بنده عرض میکنم که طلبه ممکن است فقه
 و اصول را تحصیل بکنند و کلاه هم داشته باشد منتهی وقتی بدرجه
 اجتهاد رسید کلاه خود را بردارد و عمامه بر سر بگذارد این
 عیبی که ندارد . فقه و اصول خواندن مستلزم عمامه داشتن

تخلف شود اینقدر استثناء که قانون نباید داشته باشد .
 رئیس - آقای اورنگ
 اورنگ - نماینده محترم حضرت آقای روحی يك كلمه
 فلتنه فرض کردند در صورتیکه بنده این کلمه را از فامیل
 ایشان یاد گرفتم و این کلمه نباید بگوش ایشان بی‌معنی و
 فلبه بیاید تمام فامیل ایشان بدانشن علم معقول مشتهدند در
 ایران و شخص ایشان این کلمه مخصوص نباید در گوش‌شان
 فلتنه بیاید تمام علمای شامخ ایران جامع علوم معقول و
 منقول هستند و علما وقتی تعریف علم را میکنند میگویند
 که بی‌غیر فرمود: (العلم علمان علم الابدان و علم الادیان)
 علم عقل مقدم است بر علم نحو . و حکما در ایران
 الان هم مبنای اجتهاد که ما می‌گوییم فقه است و اصول
 و اصول را مبنای فقه گرفته‌اند اصول بی‌دیدن کلام و
 حکمت معنی ندارد . علم معقول علمی است شریف . حضرت
 مستطاب عالی آقای روحی اگر و اللهاجد شان زنده بود
 گمان میکنم که با احترام ابروت و پدری این بیان را نمی‌فرمودند
 من عقیده ام این است که شخص ایشان بیشتر باید احترام
 کنند باین علم که مبنای همه علوم است اگر حضرت
 مستطاب عالی برای خاطر سنخ روحانیون عمامه را قائل
 هستند داشته باشند پس علت حرمان حکما چیست؟ بجهت
 اینکه آنها معارف شان مبنای این علوم است؟ بنده
 برای تذکر خاطر حضرت مستطاب عالی عرض میکنم (اگر
 این بیان از طرف من می‌شد شایسته بود برای مردم جاهل
 و دور از این باسط) ولی از حضرت مستطاب عالی که
 از بک خاندانی هستید که بدانشن علم حکمت مشهور بوده‌اند
 در ایران و عمامه هم بر سر داشته‌اند و بسیار هم بجا بود .
 فلک برهانش بر سر آن کلام . که بنوش روی که بر شو بام
 آن عمامه را بر سر گذاشته بودند شما نباید این را
 بفرمائید بالجمله همانطوری که آقای عراقی فرمودند این
 کلمه را اضافه کنند راجع بحکمای متألّهین حویست که
 حضرت مستطاب عالی هم قبول بفرمائید که ما هم
 احترام بکنیم بمعلومات و علم این مقدمه هم در آن باشد
 که علمای علم معقول علم معقول را علم میدانند . در ضمن

المعمل این را هم محرز باشد . در هر حال این بود نظر بنده
 و پیشنهادهایی هم در ضمن ماده دوم و سوم تقدیم میکنم
 که در موقع قرائت بنظر آقایان برسد . مرحمت شما زیاد
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .
 کازرونی - بنده مخالفم .
 رئیس - بفرمائید
 کازرونی - ماده مهم این قانون بمقیده بنده این
 ماده است . و استدعا میکنم آقایان اجازه بدهند که اقلا
 عقاید اظهار بشود و هرکس نظری دارد بگوید والا کسی
 مخالف با اصل لایحه نیست بنده تعجب میکنم که بعضی
 ها می‌خواهند اینطور نشان بدهند که ما مخالفیم . خبر
 کسی مخالف نیست . یکی از امضا کنندگان طرح بنده هستم
 ولی خوب است اجازه بدهید که نظریاتم را عرض کنم
 عراقی - بنده خیال می‌کنم همانطوری که آقای
 کازرونی فرمودند اجازه بدهید مخالفی صحبت کنند اصل
 قانون را هم ملاحظه بکنند . نظامنامه می‌نویسد موافق
 و مخالف باید حرف بزنند آقا هی میفرمایند مخالفی ندارد
 بعد خودشان میفرمایند مذاکرات کافی است اظهار موافقت
 می‌فرمایند در اصل قضیه بعد با کفایت مذاکرات مخالفت
 می‌کنند . بنده تصور می‌کنم خوب است اجازه بدهند ماده
 بگذرد و بیشتر از این هم نمیشود دامنه مستثنیات را زیاد
 کرد و بیش از این را ما قائل نیستیم حتی بعضی از
 آقایان معتقد به تقلیل آن هستند . ما مجتهد را مستثنی
 کردیم - طلاب را همینطور - مدرسین را همین طور
 پیش نماز صاحب محراب را همینطور - مستخدمین را
 همینطور دیگر جای صحبت ندارد و بالاخره بنده نمیدانم
 چقدر باید استثناء کرد و در اطراف این ماده چقدر باید
 حرف زد؟ اگر چنانچه نظر آن این است که قانون معطل
 بشود که بنده مخالفم و انشاء الله امروز این قانون بتصویب
 میرسد اگر هم غیر از این نظری دارید و مستثنیات را کم
 میدانید و باز سرکار می‌فرمائید که شما در جنوب يك
 طلبه دارید که پول ندارد و آن طلبه را هم مستثنی بدارید
 این را دیگر چه عرض کنم .

رئیس - رای میگیریم بکه ایت مذاکرات آقایان موافقین قیام فرمایند .

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - پیشنهادات قرائت میشود (این قسم قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در دنباله جمله مجتهد مجاز محل رجوع امور شرعیه در ماده دوم که در محل خود اضافه شود . (اورنگ)

اورنگ - عرض کنم که خاطر محترم همه آقایان مسبوق است که غالب از مجتهدین اتفاق می افتد که از شهر خودشان بشهر دیگر و غالبشان هم مرکز می آیند و در مرکز محل رجوع امور شرعیه ایستند حق هم همین است چون مردی است غریب آمده است این جا برای مدارا و با برای کار های دیگر و بالاخره برای نمایندگی آمده است و در شهر خودش هم محل رجوع امور شرعیه است و محضر دارد ولی وقتی که تشریف میرد

بیک شهری بیک ولایتی غیر از ولایت خودش البته آنجا دیگر محل رجوع نیست یعنی او را دعوت نمی کنند برای عقد و طلاق پیش او صیغه نمی خوانند معامله بیع شرط نمی کنند خرید و فروش نمی کنند با طلاب آن شهر (چون باین شهری که این آقا نازه وارد شده کسی او را نمی شناسد) در محضر او بدرس حاضر نمیشوند .

خلاصه هر امری که مربوط است رجوع خلق بملا هر باره این مجتهد نازه وارد باین شهر اجرا و اعمال نمیشود پس ما میگوئیم که نسبت باین شخص باید قبول کرد که معاف باشد و اگر ما بگوئیم محل رجوع امور شرعیه بطور مطلق این آقای که نازه این جا تشریف آورده و مجتهد است و مجاز است و کامل است و جامع شرایط است ولی در این شهر افراد و ساکنین شهر باو رجوع نمی نمایند در امور شرعی شان و باید مطابق این قنایب محروم باشد در هر حال من این کلمه را که پیشنهاد کردم (در محل خود) رفع این اشکال را می کند . بهر حال این بود توضیح بنده خدمت

آقایان و يك وقت كامل در این موضوع لازم است و اگر آقایان صلاح دانسته این جمله را قبول فرمایند که بدنباله این جمله مجتهد مجاز محل رجوع امور شرعیه در محل خود هم اضافه شود . اگر شایان و مناسب دیدند که قبول مینمایند

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده تصور میکنم که این يك توضیح واضحی است زیرا وقتی که ما در ماده اول تعریف کردیم اصل موضوع را و بعد در ماده دوم يك خصوصیتی برای مجتهد قائل شدیم که در تحت چه عنوان اجازه داشته باشند وقتی که دارای جواز شدند ما او را باجتهاد می شناسیم آنوقت چه در محل خودش که باشد چه در سایر محله ها همه جا با داشتن اجازه و جواز میتواند مستثنی باشد . در هر حال بنده با نظر آقای اورنگ مخالفی ندارم ولی این را يك توضیح واضحی میدانم و بعقیده بنده لزومی ندارد .

رئیس - رای گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای اورنگ آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای مجد ضیائی (اینطور خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده دوم اضافه شود . اشخاص مهم که بالاتر از ۶۰ سال دارند از این قانون مستثنی باشند .

مجد ضیائی - بنده توضیح زیادی ندارم ولی اشخاص معمر دیگر نمیتوانند خودشان را باین لباس مجلس کنند و عمامه را بردارند و خیلی برای آنها شاق است تغییر لباس دادن . خوبست قبول کنند که کسانی که بالاتر از ۶۰ سال دارند مستثنی باشند

رئیس - آقای عراقی

عراقی - عرض کنم که قانون وقتی وضع میشود نسبت بتمام افراد این مملکت مساوی است و شامل حال همه شان میشود مگر مستثنیانی را که خود قانون ذکر

میکند آنها از روی يك دليل استثناء می شود که بتوان بآنها استناد کرد دیگر من شصت سال عمر دارم بدون اینکه هیچ مزیتی داشته باشم این دليل نمیشود ۷۰ ساله هم باشد ممکن است کلاه بر سر بگذارند . و آدم شصت ساله و بیست ساله هر دو مشمول قانون مملکت هستند و در تحت حکم کلی قرار میگیرند يك دليلی اقامه بشود که آنها را هم در قانون در تحت عنوان استثناء بذار کرده اند ولی شصت ساله بودن بعقیده بنده دليل نیست - دليل باید قانونی باشد مثل فرضاً قانون انتخابات که آدم ۷۰ ساله را منع میکند که نمیتواند انتخاب بشود . بنا بر این بنده از همکار محترم آقای مجد ضیائی تقاضا میکنم پیشنهادشان را مسترد بدارند و این اهمیت بدارد من که شصت سالم است عمامه بر سر بگذارم .

مجد ضیائی - مسترد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای مؤید احمدی :

(این قسم قرائت شد)

در ماده دوم پیشنهاد میکنم کلمه وعاظ بعد از مستخدمین علاوه شود .

مؤید احمدی - بنده اگر چه تصور میکنم که کلمه مستخدمین در صورتی که مجاز باشد شامل وعاظ هم میشود بکلی البته قانون باید واضح باشد که همه کس بفهمد باین شکل همه کس نمی فهمد عیبی ندارد که وعاظ هم اضافه شود که در صورتیکه مجاز باشند با اجازه روایت آنها هم مستثنی باشند

رئیس - آقای عباس میرزا

عراقی - عرض کنم که

رئیس - آقای عباس میرزا را عرض کردم

عباس میرزا - خوب میل دارند ایشان فرمایند .

رئیس - آقای عراقی

عراقی - عرض کنم که دو نظر در این قانون هست یکی آنحدا شکل - یکی هم استثناء پاره اشخاص از قبیل مجتهد و محدث مجاز و پیشماز صاحب محراب . خوب وعاظ اگر عبارت باشد از کسی که اجازه روایت دارد یعنی آن

کسی که دروغگو نیست که بهش اجازه روایت داده اند ولی اگر مراد از واعظ کسی است که رود روی منبر توی يك خانه یا خیابانی و هرچه دروغ دلش میخواهد بگوید و گریه بگیرد و اگر گریه نکرد توی سر خودش بزند تا گریه بگیرد این آدم هم باید عمامه اش را بردارد هم باید قدر منبراسلامی محفوظ بماند و باید بداند که این منبر محل بزرگ و شریفی است و جای بزرگ است ما می خواهیم کسانی که روی منبر میروند بدانند که این منبر منبر بزرگترین انبیاء است و باید اشخاصی روی آن به نشینند که لیاقت و علم داشته باشند نه کسی که بگوید شهر چه کار کرد و چه کار کرد و از این دروغها بگوید رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای مؤید احمدی آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای دیبا

پیشنهاد می کنم که بجای مدرسین آنان نوشته شود مدرسین فقه و اصول آنان

عبدالحسینخان دیبا - بنده امیدوارم که مدارس مذهبی ما که یکی از مدارس مهم ما است بعد از این يك زرفری درس بشود و محتاج بیک معلمین زیاد زری بشوند و بنده گمان میکنم که بعد از این لازم است برای طلاب مدرسین فیزیک و شیمی و اینها معین کرد که نزد آنان علوم جدید را تحصیل کنند و از این جهت بنده پیشنهاد کردم که فقط مدرسین فقه و اصول آنها مستثنی باشند نه کلیه مدرسین که بعد ها باید برای آنها معین شود

رئیس - آقای افسر

افسر - عرض کنم که عبارت قانون با آن زمینه که هست و با آن قید وقتی درس نوشته میشود طلاب علوم دینی و مدرسین آنان مقصود البته همان مدرسین فقه و اصول آنها است و نظر آقا تأمین شده است که طلاب مشغول فقه و اصول و مدرسین آنان یعنی مدرسین فقه و اصول و مدرسین دیگر را شامل نیست

حاج آقا رضا رفیع - استرداد میکنند
 رئیس - مسترد می کنید ؟
 دیبا - خیر - مسترد نمی کنم
 رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد
 آقایان موافقین قیام فرمایند
 (عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای احتشام زاده
 پیشنهاد می کنم در ماده دوم اضافه شود : وعاط و
 ذاکرین که سن آنها متجاوز از چهل سال و بیش از ده
 سال سابقه اشتغال منبری دارند
 دیوان بیگی - آقا این جا خصوصیات را داخل نکنید
 رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - از نظر اصول کلی البته بنده هم
 معتقد هستم که حتی المقدور مستثنیات این قانون
 خیلی کمتر باشد و البته اشخاصی که میخواهند در آئینه
 منبر بروند یا پیشنهاد باشند یا خودشان را در مسلک
 روحانیون در بیاورند بعقیده بنده باید شروط سخت و
 سنگینی از نقطه نظر حفظ حیثیات مقام روحانیت داشته
 باشند و این پیشنهادی که بنده عرض کردم از نقطه
 نظر وضعیت فعلی است که يك عده زیادی که تاکنون
 اشتغالشان اشتغال منبری بوده است و مدتی هم در آن
 کار سابقه داشته اند و سنشان هم يك طوری است که

اگر از اینکار دست بکشند از عهده سایر کار ها بر نمی
 آیند . تصدیق فرمائید این دسته از مردم يك عائله هائی
 دارند و اگر چنانچه بگوئیم آنها روضه نخوانند باحدیث
 نگویند و کلاه بر سر بگذارند در حقیقت معیشت آنها
 را قطع کرده ایم قطعاً هیچیک از آقایان راضی نمیشوند
 بنک جمعیت زیادی که متأسفانه وضعیات گذشته آنها را
 وا دار کرده است از این محل اعاشه کنند امروز در
 اثر وضع و تصویب این قانون خودشان که از بین
 میروند هیچ هر کدام که يك عائله های چهارده پانزده
 نفری دارند از بین بروند از نقطه نظر رافت و شفقت بعائله این
 قبیل اشخاص که امروزه وسیله برای حفظ عائله خودشان ندارند

بنده معتقد هستم بایستی به عائله آنها شفقت کرد و
 عیناً به آنها اجازه داد که بتوانند آن وسیله که سابقاً
 برای اعاشه خانواده شان داشته اند بهمان وسیله اعاشه
 کنند . متأسفانه هنوز در مملکت ما کار زیاد نیست و کسب
 رونق ندارد که به آنها بگوئیم بروند عملی کنند . . .
 دولتماهی - عملی هست

احتشام زاده - بنده میدانم عملی هم به انداز نسبت
 که همه آنها بتوانند بروند عملی کنند و اگر هم بودند
 هم تصدیق میگردم که بروند و عملی کنند . بنده چنانچه
 عرض کردم نظرم از نقطه نظر آئینه نیست برای اینکه در آئینه
 هر کس بخواد منبر برود باید حتماً این شرایط را دارا
 باشد و نظرم نسبت به گذشته است که يك عده اشخاص از
 این کار و از این راه اعاشه میکردند . بنده خیال میکنم
 باید نسبت به عائله آنها رحم و شفقت کرد و به آتھائی
 که سنشان از چهل سال زیاد تر است و نمیتوانند بروند
 کار دیگر بکنند و ده سال است مشغول کار منبری بوده اند
 اجازه داده و الا از نقطه نظر روحانیت بنده هیچ مانعی
 نمی بینم . که روضه خوانان باواعظ با کلاه پهلوی بروند وعظ
 کنند ولی از نقطه نظر اینکه ترتیب طوری است که اگر روضه
 خوان کلاه پهلوی سرش بگذارد شاید مردم دعوتش نکنند
 و این عرایض بنده از نقطه نظر حفظ معیشت يك عائله
 های بیچاره است .

رئیس - آقای اعتبار
 اعتبار - بنده گمان میکنم آقای احتشام زاده جلسه
 اخیریکه خودشان فرمودند که هیچ مانعی ندارد با کلاه
 پهلوی هم روضه بخوانند این جواب خودشان بود و بعلاوه
 ما میخواستیم باین مسائل اهمیت بدهیم نه اینکه اذعان
 مردم ساده را با يك اخبار دروغ جمعولی مشوب کند
 و برای شور انداختن مجلس يك رطب و بابسی بگوید
 بعلاوه در خود قانون مقصود آقا نامین شده است زیرا
 اگر يك مردمان ما سواد می هستند روند از دو نفر از
 مجتهدین اجازه بگیرند بیایند وعظ کنند و اگر هم سواد
 نداشتند احتیاج نیست آنها وعظ کنند

رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد
 آقای احتشام زاده آقایانیکه موافقند قیام فرمایند
 (معدودی برخاستند)

رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای اورنگ قرائت
 می شود .
 (بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در آخر ماده دوم اضافه شود و مستخدمین
 مشاهد مشرفه در وقت انجام خدمات خود در حررها و
 ضمن ها و رواقها .

رئیس - آقای اورنگ
 اورنگ - عرض کنم اولاً يك مقدمه خیلی مختصر
 دارد بقدر يك سطر خود آقایان میدانید که رای شما
 آقایان اکثریت حاکم است این را من هم میدانم شما هم
 میدانید حالا که کار دست شما است یا رد میکنید پیشنهاد
 را یا قبول میکنید .

زوار - رد میکنیم
 اورنگ - انشاء الله در صورتیکه رد میکنید با قبول
 میکنید نیم دقیقه فکر کنید بعد این کار را بکنید دست
 خودتان است عرض میکنم بحضور شریفتان همه آقایان
 صدیق میفرمائید هر چیزی در حد خودش محترم است
 مملکت در حد خودش محترم است عقیده هم در حد
 خودش محترم است در تمام ادیان در تمام ملل به اعتقادات
 روحانی آن امت ملل دیگر هم احترام میکنند . ما
 امروز متحد الشكل شدن ابناء ایرانی را در خاک ایران
 میخواهیم بگذرانیم بسیار هم کار خوبی است ولی شما
 همه نان میدانید که در حرم مطهر حضرت رضا (ع)
 با در حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها آن
 افرادی که در حرمند اگر میخواهیم همین امروز ترتیب
 کنیم به تمام آحاد و افراد این مملکت که این طور خیال
 بکنند این اشخاصی که نوبی این حرم هستند و دارند درپ
 این ضریح را باز میکنند کلاه سرشان باشد اهمیت ندارد
 اگر اعتقادمان این است که اینکه ما میگوئیم خلق الله
 هم قبول میکنند يك قدری کم نجزیه هستیم . زیرا خلق الله

جمعی از نمایندگان - (با همه) این حرف ها
 چیست ؟ کی اهمیت نمیدهد .
 اورنگ - شما آقایان برای اعضاء نیز لباس چین
 دار آستین دراز درست کرده اید و پیشنهاد آقای باستانی

قبول نکرده و نمیکند . ملاحظه فرمائید سه شب مانده
 به عید نوروز در حرم حضرت رضا معمول این است که
 يك عده میروند درپ ضریح را باز میکنند و ضریح را
 میروند و اینرا میگویند جاروب آخر سال . اگر کسی این
 شب را درك کرده باشند (من این را درك کرده ام
 برای اینکه يك سال و نیم در آنجا مأمور بودم رئیس
 استیضاف بودم) آن شب این جور آدم را اینجا راه نمیدهند
 اگر هم راه بدهند همانجوری راه میدهند که خود شان
 هستند . . .

بعضی از نمایندگان - (با همه) چرا راه نمیدهند ؟
 کلاه سر گذاشتن که گناه نیست
 (زنگ رئیس - دعوت به سکوت)

اورنگ - تأمل کنید آقایان . بنده خیلی مواظب
 هستم که کلانم هیچ کجا هیچ جور و بهیچ ترتیب بر نخورد
 يك امر خارجی را می خواهم عرض کرده باشم . عرض
 کنم متوجه باشید عادات خلق توهین نیست صد
 هزار دفعه استغفرالله از توهین بنده اگر توهین بود
 خودم سرم نمیکذاشتم . . .

زوار - بنده اخطار دارم .
 رئیس - در وسط نطق نمیشود .

اورنگ - شما باید فکر کنید بعقیده مردم . بعلاوه
 پیشنهادی بنده این نیست که وقتی از حرم بیرون آمدند
 و از استخدام خودشان دست کشیدند همان لباس را
 بپوشند خیر اینطور نیست وقتی که مشغولی آن کار هستند
 در حرم و رواق و صحن با آن لباسشان باشند ولی وقتی
 که از حرم بیرون آمدند لباس همه مان را بپوشند هیچ
 ضرر و زبانی ندارد . قضات . شما برای قاضی نیز لباس
 مخصوص دارید . آقایان به حرم حضرت رضا هم بقدر محکمه
 نیز اهمیت بدهید . . .

جمعی از نمایندگان - (با همه) این حرف ها
 چیست ؟ کی اهمیت نمیدهد .
 اورنگ - شما آقایان برای اعضاء نیز لباس چین
 دار آستین دراز درست کرده اید و پیشنهاد آقای باستانی

را قبول کرده اید که این آقای قاضی نیز وقتی که در
نیز است این لیاقه را به این کیفیت بیوشد وقتی که
بیرون آمد لباس سایر آقایان را بیوشد
بعضی از نمایندگان - پس عمامه سر بگذارند ؟
اورنگ - بنده میگویم آقایان شما وقتی که این کار
را میکنید اگر برای مستخدمین حره‌های خودتان هم
يك لباس خاصی قائل شوید که وقتی در آنجا مشغول
خدمت هستند آن لباس را بیوشند و وقتی هم که بیرون
می آیند لباس معمولی را بنده هم حرفی ندارم منتها
عمامه آنها را بشکل خاصی معین کنید که غیر عمامه
روحانیون باشد . حالا هم تأمل کنید و عصبانی نشوید
ممکن است يك دقیقه فکر کنید یا من همراه شوید و
ممکن هم هست الان بلند شوید و قال و قول کنید و
رای بدهید و بگوئید درست شد ولی شق اول را اختیار
کنید بین خودتان و من و وجدانتان خجل نمیشوید و
تسکین بر شما ها در قبول این پیشنهاد من وارد
نمی شود .

رئیس - (خطاب باقای زوار) اخطار خودتان را
بفرمائید .

زوار - بنده ماده ۶۳ را اخطار کردم

رئیس - مقصودتان از تذکر این ماده چیست ؟

زوار - ماده شصت و سه میگوید وقتی که بکنفر پیشنهادی

داد باید به اختصار توضیح بدهد

رئیس - این اختصار را کی باید نیز بدهد

زوار - آقای رئیس . ولی بنده هم حق اخطار دارم

بعضی از نمایندگان - ماده شصت و سه راجع به پیشنهاد

های شور دوم است .

رئیس - آقای عراقی

عراقی - فرمایش نماینده محترم در توضیح پیشنهاد
خودشان بسیار بسیار خوب بود ولی قبل از توضیح
دادن یدش آقایان بالاتر و الاثر از آنچه آقا بفرمایند
جست . حرم جای شریفی است . معبد ما است . ما هم مسلمانیم
او هم رئیس اسلام است ما هم متدین بدین اسلام هستیم ولی در

اختلاف دیانت بالاخره موجب تصدیق وجود ملل مختلفه
در يك مملکت نیست و اختلاف دیانت مستلزم وجود
ملل مختلفه در مملکت ایران نیست از این نظر بنده
اتباع غیر مسلم را لازم میدانم بجای ملل غیر مسلم
پیشنهاد کنم

بعضی از نمایندگان - صحیح است
اعتبار - مخالفی ندارد .

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای
شریعت زاده آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند
اغلب برخاستند

رئیس - تصویب شد تصور میکنم پیشنهاد آقای ارباب
کبشرو هم تأمین شد پیشنهاد آقای مفتی قرائت میشود
(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم که در ماده دوم بعد از طبقه مجتهدین
این عبارت اضافه شود: و مقتیان اهل سنت دجاعت که
از طرف دو نفر از مقتیان مسلم اهل سنت اجازه فتوی را
داشته باشند

جمعی از نمایندگان (صحیح است) همه موافقت

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل
توجه میدانند قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده دوم اضافه شود : و
متولیان و مستخدمین اماکن مشرفه که سن آنها زیاده
از پنجاه سال باشد

بعضی از نمایندگان - این رد شد

رئیس - گویا آن پیشنهاد را مسترد داشتند رد نشد .

علی ای حال توضیح بدهید

فیروز آبادی - همه آقایان تصدیق میفرمایند
اشخاصی که تا سن پنجاه سال در اماکن متبرکه مشغول
خدمت بوده اند حالا اگر بخواهید آنها را تحت این
قانون بیاورند و مجلس به این لباس بکنند به آنها يك

قدری گران می آید و اسباب زحمتشان است زیرا با
آن لباس يك اندازه طرف توجه مردم بوده اند . ما نباید
همیشه در صدر بر آئیم که يك عده که در دنیا زندگانی
کرده اند و يك روبرو داشته اند بکلی روبرو زندگانی آنها
را از دستشان بگیریم . اگر در مملکت ما يك وقت کار
زیاد شد البته مسئله نیست ولی حالا بحمدالله که کار نیست
علاوه از این سالی سی چهل کرور هم داریم به خارجه
پول میدهیم و هنوز نتوانسته ایم يك جا نطق استخراج
کنیم . بنده عقیده ام این است که این اندازه فشار نباید
به مردم وارد ساخت این اشخاصی که پنجاه سال دارند
زديك مردن هستند و در این چهار روزه عمرشان که
باقی مانده است خوب است اجازه بدهید در اماکن
مقدسه به همان لباس خودشان باقی باشند .

رئیس - آقای شریعت زاده

بکنفر از نمایندگان نیستند

رئیس - آقای عباسمیرزا

عباس میرزا - پیشنهادی که نماینده محترم دادند در
دومورد رد شد . یکی در موردیکه آقای مجد ضیائی پیشنهاد
کردند یکی هم در مورد پیشنهاد آقای احتشامزاده و
دیگر این پیشنهاد مورد ندارد و این که فرمودند
يك عده که يك مدتی عادت کرده اند
به يك زندگانی برای آنها اشکال دارد . گمان
نمیکم اشکال داشته باشد زیرا خواه نخواه در این تبدلات
دنیا انسان همیشه زندگانش در تغییر است منتها خودش
منتقل نیست و بقول فلاسفه اولوسویون کرئاً تریس زندگانی
همیشه در اولوسویون است . و آن کسی که نصت
هفتاد سال دارد یا سی سال یا چهل سال فرقی نمیکند .
جامعه که هرطور که باشد باید شخصی تابع آن باشد
رئیس رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای فیروز آبادی
آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(معدودی برخاستند)
رئیس - تصویب شد . پیشنهاد آقای دبستانی کرمانی
(بشرح ذیل خوانده شد)

پنده پیشنهاد میکنم که برای طلاب علوم دینی شرط شود در صورتیکه لااقل شرح لعمه و فصول یا مستاجر و فوائد شیخ مرتضی را امتحان بدهند و برای پهنمایی شرط شود که نجات العباد و اصول کافی را امتحان بدهند

رئیس - آقای دبستانی

دبستانی - پیشنهاد بنده از این نظر است چون اصل قانون دو نظر درش هست یکی رعایت وحدت ملی و دیگری احترام علماء و وزرکان در صورتیکه محدود نباشد و عقیدت نکنیم به يك ترتیبی ممکن است خیلی از اشخاص برای فرار از نظام وظیفه و برای اینکه يك احتراماتی را که لایق نیستند حائز شوند می آیند اسم خودشان را میگذارند طلاب این است که پیشنهاد میکنم به يك نصابی از علم برسند که در واقع معلوم باشد که لیت اینها این است که میخواهند تحصیل کنند و مجتهد شوند پیشنهاد بنده این است اگر آقایان می بینند صحیح است تصویب بکنند و الا هیچ

رئیس - آقای زوار

زوار - استدعا میکنم رای گرفته شود

رئیس - آقای افسر

افسر - عرض کنم در پیشنهاد شرط کردن که نجات العباد امتحان بدهند محتاج نیست زیرا در پیشنهاد عدالت شرط است و وقتی که بکنند پیشنهاد عادل شد دیگر از او نمیبرند تو نجات العباد بلد هستی یا نه اگر عادل است پشت سرش نماز میکنند و الا خیر در آن قسمی که فرمودند شرح لعمه و فصول یا چیز دیگر را بلد باشد بعقیده بنده کسی که این ها را خوانده باشد باید قریب الاجتهاد یا فارع السوح اسمش را بگذاریم دیگر اسمش طلبه نیست گمان میکنیم همین پیشنهادی که آقایان نمایندگان امضاء کرده اند حد معتدلی است و خوب است نه باید از این مضیق ترش کرد نه وسیعتر و بعقیده بنده اینطور که نوشته شده بهتر است

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای دبستانی آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

باسالنی - عرض میشود خواهش میکنم از آقای عدل موافقت کنند که این ماده تمام شود و مواد دیگر بماند برای جلسه بعد چون مذاکرات زیاد در اطرافش شده است بگذریم تا پیشنهاد است زود تمام میشود

عدل - بسیار خوب باشد این ماده تمام شود

رئیس - پیشنهادی است از طرف آقای آقا سیدمرتضی وثوق - دشتی - آقا سید حسین آقابان - هزار جریبی و احتشامزاده

(بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم عبارت ذیل به آخر ماده دو قبل از جمله (از مقررات) اضافه شود کلیه واعظ صاحب منبر عبارتین امور روحانی دهات مانند عقد و نکاح و غیره

رئیس - آقای دشتی

دشتی - بنده مخصوصاً از رفقای خودم تقاضا میکنم که عرایض بنده را گوش بدهند عرض کنم بنده شخصاً در دوره زندگالیم این را تجربه کرده ام که در هرکاری افراط و تفریط بخواهیم بکنیم اصل قضیه از بین میبرد و باور کنید که بنده این اصلاح و این کار را از کارهای اساسی میدانم و بعد از تغییر القباء اولین اصلاح مهم میدانم و منتهی درجه به این کار علاقه مند ولی نباید در طوفان احساسات خودمان طوری خفه شویم که چشمان جای دیگر را ببیند و باید وضعیت مردم را در نظر بیآوریم و قانون بگذاریم ما غرضان از این لایحه چه چیز است؟ غرضان این است که تمام ملت ایران يك شکل بشوند و فقط يك صنف ممتاز در این میان باشند و آن صنف ممتاز عبارت از صنف روحانیون است. منتها در تعریف صنف روحانیون اینجا اختلاف نظری که بین بنده و سایر رفقا هست همه اش روی این مسئله است که بنده واعظ را جزء روحانیون میدانم یعنی واعظ که باید برود بالای منبر و احکام اسلام را وعظ کند او را روحانی میدانم و وجودشان را هم خیلی مفید میدانم و معتقد هستم همان امتیازاتی که برای روحانیون قائل شده ایم برای اینها هم باید قائل شد حتی عقیده داریم که دولت مجاز وعظ

رئیس - تصویب شد. آقای عدل پیشنهاد ختم جلسه را کرده اند

اعتبار - بنده مخالفم

رئیس - آقای عدل

عدل - عرض کنم خاطر آقایان مسبوق است که ما فعلا در مجلس اقدر کاری نداریم که عجله داشته باشیم قوانین زود زود بگذارند به این ملاحظه بنده پیشنهاد کردم حالا هم که یکساعت بعد از ظهر است جلسه ختم شود و تصور میکنم اقتراح هم بجهت شرفیابی حضور اعلی حضرت لازم است روز پنجشنبه جلسه بشود و این قانون را تصویب کنیم

این روحانیون دهات فلان آخوند توی ده که عقد و نکاح و طلاق و اجاره مردم دستش است مجاز هم که نیست اجازه اجتهاد هم که ندارد هیچ اجازه حدیث هم ندارد یک قدری درس خوانده است امور حسیبه مردم دستش است و تمام امور دینی مردم را میگذراند چه ضرر دارد که آنها هم عمامه سرشان باشد و مشغول کار خودشان باشند و اگر بخوانند اصلاح اساسی بکنند اصلاح اساسی آتوقی است که مدارس روحانی را دولت تحت نظر بیاورد و طلاب در تحت یک انتظامی آنها مشغول درس بشوند و البته بعد که بیرون می آید عالم هستند آتوق علمای منور الفکر که اصول اسلام را ترویج کنند در آنها درست شده است و هیچ اشکالی ندارد که ما این کار را بکنیم. و عاظ اگر کلاه سرشان باشد با عمامه هیچ کجای مملکت ر نمیخورد ما فقط برای یک اشخاصی که اهل حرفه نیستند میخواستیم یک امتیازی قائل بشویم و الا حقیقتاً بین یک نفر پیشماز و یک نفر واعظ چه فرقی هست در صورتیکه واعظ مراتب روحانیتش بیشتر از پیشماز است پیشماز فقط با عدالت پیشماز میشود ولی واعظ باید تمام احکام اسلامی را بداند

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - موافقم

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - عرضی ندارم

رئیس - به قسمت کلمه و عاظ نمیشود رأی گرفت

آقای عراقی

عراقی - اگر ماده قرائت شود و درست درش دقت شود بنده تصور میکنم نظر آقایانیکه این پیشنهاد را داده اند تأمین شده است برای اینکه آقایان میخواهند و عاظ مستثنی یعنی مجلس لباس روحانی بشوند و جزء روحانیون باشند و در ماده محدثین که گفته شده است

مقصود همان واعظ است. محدث آن کسی است که علم حدیث داشته باشد و روایت صحیح را بداند. آقا فرمودند (واعظ) فردا هر بچه روزه خوانی میگوید من واعظ

چون ما قائل به یک حدی شده ایم. بعضی در ویشها هستند که میروند سر منبر خیلی هم خوب میخوانند فردا آنها هم میگویند ما واعظیم. شما میگوئید واعظ نیست ولی او میگوید واعظیم. شما یک عبارتی می آورید در قانون نه آن درویش فرقر هم میگوید من واعظ هستم. این محدث که اینجا ذکر کرده ایم برای این است که معلوم شود چه کسانی علم حدیث دارند. بنده نمیخواهم اسم بیاورم ولی مثلاً آقا میرزا عبد الله چه عیب دارد واعظ باشد ایشان هم علم حدیث دارند هم روایت اقل میکنند هم سر منبر دروغ نمیگویند ولی بعضی روزه خوانها هستند که شاید بعضی از آقایان هم بدانند یک روزه خوانی در طهران میگفت من یکی او یکی او تبا کی وجبت له الجنة یعنی بین او و بهشت یک وجب است. جدم فرموده است که بین او و بهشت یک وجب است. فردا او هم میگوید من هم واعظم بنابراین به عقیده بنده همان عبارت ماده که میگوید محدثین که از دونفر اجازه داشته باشند نظر آقایان را تأمین میکند

رئیس به قسمت و عاظ نمیشود رأی گرفت چون قبلاً آقای مؤید احمدی پیشنهاد کرد رد شد.

دستی - این یک پیشنهاد مستقلی است.

رئیس - در هر حال به قسمت و عاظ نمیشود رأی گرفت. رأی گرفته میشود به مابقی این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای یاسائی قرائت میشود.

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم به ماده دوم اضافه شود: هر کدام از طبقات مذکور در این ماده استفاده حقوق یا شهریه یا مستمری از خزانه دولت میبایند باید به لباس متحدالشکل مجلس شوند

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنده گمان میکنم آن مجتهدینی که از خزانه

دولت ارتزاق میکنند جامم الشرائط نیستند چون دارای مرتبه عدالت نیستند و این قدر مسلم است و ما باید مردم این مملکت را همانطور که آقای دستی هم تذکر دادند سوق بدهیم به یک راهی که آن پیشنهادیکه مستمری میگیرد پشت سرش نماز نخوانند زیرا این پولیکه از مالیه مملکت میگیرند پول رسومات هم جزوش هست و بالاخره پشت سر ملای شهریه بگیرد نباید نماز خواند

رئیس - آقای افسر

افسر - بنده گمان میکنم بر فرضی که پنج نفر یا ده نفر هم اینطور اشخاصی باشند معلوم نیست کسیکه شهریه از دولت بگیرد عدالت نداشته باشد ممکن است کسی شهریه از دولت بگیرد و از نظر فتوی آرا صحیح بداند و ممکن هم هست که دولت یا مجلس یک وقت مصلحت بداند و برای کسی که رعایت حال یک عده خصوصی به آنها مراعات کند و این هم منافات با لباس ندارد بنده معتقد به این پیشنهاد نیستم و عقیده ام این است که اگر این پیشنهاد پس گرفته شود بهتر است

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد آقای یاسائی

آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای رحیم زاده

قرائت میشود

(بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم: چون موافق اصول مذهب اهل سنت و جماعت برای علماء درجه اول مقام اجتهاد را قائل نیستند در ماده دوم علماء و مشایخ و مدرسین طراز اول سنت و جماعت برای حفظ مراتب احترام مذهبی و روحانیت از مدلول این قانون معاف باشند

رئیس - آقای رحیم زاده

رحیم زاده - چنانچه عرض کرده ام واضح است و مقصود این است که علمای درجه اول و علمای طراز اول را داخل در این قانون بدانند که مجریان قانون ایراد نگیرند که شما مجتهد نیستید به اینجهت بنده این پیشنهاد را کردم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - در پیشنهاد آقای مفتی که قبول شد گمان می کنم نظر آقایان تأمین شده باشد و این پیشنهاد تکرار است

رئیس - رای گرفته میشود به این پیشنهاد آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(عده قلیبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای اورنگ

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در ماده دو دنباله جمله طلاب مشغول به تحصیل علوم فقه و اصول کلمه حکمت اضافه شود احتشام زاده - حکمت الهی

بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد. صحیح است

رئیس - رای میگیریم به این پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. پیشنهاد آقای شریعت زاده

(بمضمون آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم با جمله (طلاب علوم) از ماده دوم حذف شود

رئیس - آقای شریعت زاده -

شریعت زاده - البته آقایان به استدلالی که راجع به وضع این قانون شده است توجه فرموده اند مقصود اصلی تعظیم به مدارج اسلامی و احترام به لباس روحانیون است. بنا بر این تشخیص شده است که هر کس مجاز از مراجع تقلید باشد و دارای این صفات باشد او مجاز است که مجلس به این لباس بشود. این استدلال مقتضی است که بگوئیم هر کس به آن مقام رسیده است مجلس به این لباس نباشد و چون لباس روحانیت علامت تعالی و مدارج عالی آن علم است و اشخاصیکه مشغول تحصیل هستند دارای آن مقام نیستند بنده عقیده ام این است که آن اشخاص معاف نباشند و به اینجهت این پیشنهاد را کردم.

پیشنهاد ختم جلسه شده است هفت فقره پیشنهاد دیگر هم درآمده دوم باقی مانده است. آقای ملک مدنی توضیح بدهید بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد

رئیس - بسیار خوب. قبل از اینکه جلسه را ختم کنیم برای تشریح بحضور اعلی حضرت فردا که روز عید سعید حضرت امیر است استقراع میکنیم.

(اقتراع بعمل آمده آقایان مفضلّه ذیل معین شدند)

(آقا میرزا هاشم آشتیانی)

بعضی از نمایندگان - مریضند

(آقا سید کاظم یزدی - خدالله خان بیات ما کوئی -

مفتی - طلوع - دیبا)

بعضی از نمایندگان - کدام دیبا. دیبای مطلق؟

اورنگ - اگر اضافه داشت میخواندم.

(محمد حسنخان مسعودی - علیخان اعظم - افشار)

یکنفر از نمایندگان - عضو هیئت رئیس هستند

(حاج آقا حسین رهبری - سید ابراهیم ضیاء)

رئیس - آقای روحی فرمایشی داشتید

روحی - خیر

رئیس - جلسه آنبه روز پنجشنبه دستور بقیه این

قانون

(مجلس یکساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد)

رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - بنده تصور میکنم در اینجا آنطوریکه آقا فرمودند نباید این اندازه اغراق گفت. چون اشخاصی که میخواهند به آن مدارج برسند باید معلوم باشند و این مسئله در همه جا هم معمول است مثلاً در مدرسه نظام شاگرد ها در صورتیکه هیچ درجه هم ندارند آن لباس را میپوشند. بادرمدارس مختلف هرصنعتی در ایران و مالک خارجه يك لباس مخصوص دارند. حالا برای اینکه آن اشخاصیکه مشغول تحصیل هستند از اول معلوم باشند که اینها چه کاره هستند و قیوداتی که آن لباس برای آنها وارد میکنند معلوم باشد بهتر این است در همان عالم خودشان زندگانی کنند و در همان عالم بالا بروند تا برسند بان مدارج عالی و البته رسیدن بمقام اجتهاد يك کار خیلی مهمی است و اگر در سن چهل سالگی یا پنجاه سالگی بان مقام رسید بخواهد لباس عوض بکند چندان خوب نیست و بعقیده بنده همینطور که در قانون نوشته شده است از اول مجلس بهمان لباس باشد بهتر است

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای شریعت زاده آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. از طرف سه چهار نفر از آقایان